یک مسافرت تاریخی

یکماه در اصفهان

یا گزارش مسافرت

علامه معظم حضرت آیة الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالحسین امینی

اصفهان در ماه صفر المظفر ۱۳۷۶ هجری قمری

شرکت چاپخانه خراسان



یک مسافرت تاریخی

یکماه در اصفهان




یا گزارش مسافرت تاریخی

حضرت علامهٔ معظم

آیة الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالحسین امینی

در ماه صفر المظفر ۱۳۷۶ هجری قمری به اصفهان

تهیه و تنظیم : فرهنگ نخعی

(نویسنده دینی)

بها : ۱۰ ریال

شرکت چاپخانه خراسان

هنگامی که مور ناتوان به بارگاه حشمت الهی
حضرت سلیمان (ع) باریافت، ران ملخی تقدیم آن
پیغمبر با عظمت و سلطان با حشمت نمود واین بنده
کمتر از مور، که افتخار تشرف بارض اقدس و
مجاورت آستانه مقدس حضرت
مولی الموالی وسلطان السلاطین

السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

روحی و ارواح العالمین له الفدا را یافته ام
مفتخرم این اثر نا چیز راکه بقصد خدمت بدین
مبین و نشر معارف و حقائق مکتب جاویدان و حقهٔ
ائمهٔ معصومین (علیهم السلام) تنظیم نموده ام به
پیشگاه مقدس

حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) روحیفداه

تقدیم داشته باتوسل بدربار کیهان مدار حضرتش
توفیق و تأیید خدمتگزاران دین و مروجین معارف
و حقائق شرع مبین و ناشرین علوم ومدافعین حقوق
اهل بیت طاهرین (ع) را از درگاه حضرت احدیت
مسئلت مینماید و من الله التوفیق و علیه التکلان

نخعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین الاول قبل الاحیاءوالانشاء والاخر بعد فناء الاشیاء والصلوة والسلام علی خیر خلقه و اشرف بریته سید الانبیاء والمرسلین و خاتم السفراء المنتجبین حبیب اله العالمین والمنعوت فی الکتب السابقین، المحمود الاحمد ابی القاسم محمد صلی الله علیه وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین الائمة المعصومین ، الهداة المهدیین وخلفائه الراشدین و حجج الله علی الخلائق اجمعین واللعن علی اعدائهم و مخالفیهم و غاصبی حقوقهم و منکری فضائلهم و مخربی شریعتهم الی قیام یوم الدین

مقدمه

در ماه صفر سال جاری (۱۳۷٦ هجری قمری) اصفهان ، آن شهر زیبای تاریخی ، شهریکه در کنار بستر زاینده رود روزگاری نصف جهان خوانده میشد و امروز با یکدنیا شور و هیجان و زیبائی و طراوت و بالاخره ایمان و ولایت ، آئینهٔی از خاطرات شور انگیز دیرین و گذشته شیرین خود بشمار میرود ، یکبار دیگر شاهد یك جنبش عظیم دینی گردید و مردم باحرارت وخونگرم و پاکدل آن شهر دل انگیز ایمان خیز، توانستند صمیمانه ترین و پرشورترین احساسات خود را از نظر دینی و ترویج شعائر مذهبی ابراز دارند و افتخاری تازه بر مفاخر گذشته خود بیفزایند و بر دفتر خاطرات ایام یاد گاری فراموش نشدنی و سرور آمیز ثبت نمایند .

این شور وهیجان ، این جنب وجوش، این گرمی وحرارت ، این تظاهرات واحساسات گرم و آتشین و پرشوریکه از در و دیوار ، مرد وزن ، بزرك و کوچك ، پیر و جوان ،عالم و عامی ، کاسب و اداری ،



افسر و سرباز، کارگر و کشاورز اصفهان جلوه گر بود براثر مسافرت یکی از بزرگترین نوابغ عصر حاضر و یکی از درخشنده ترین مفاخر عالم شیعه و یکی از برجسته ترین شخصیت های علمی و روحانی یعنی علامهٔ معظم و دانشمند مکرم .

حضرت آیت الله آقای شیخ عبدالحسین امینی

که شخصیت بارز و برجسته و ممتاز معظم له مستغنی از هر گونه توصیف و تعریف بوده خامه ناتوان این ناچیز نیز از وصف هزار یك آن عاجز است ، بآنشهر تاریخی بوجود آمد و یکباره تحول و جنبشی در آن کانون نشر و ترویج تشیع و آن پایگاه استوار مذهب مقدس جعفری (ع) پدیدار گردید بقسمی که بجرأت میتوان گفت **اصفهان، از یکقرن پیش تا کنون چنین وضع دل انگیز و چنان هیجان مسرت آمیزی بخود ندیده است .**

نگارنده با آنکه خود افتخار شرکت در این مسافرت تاریخی را نداشته و از نزدیك شاهد آنهمه شوق واشتیاق نبوده‌ام واگر هم حضور میداشتم و چنان مناظر تکان دهنده و هیجان بخش را میدیدم ، باز هم یارای وصف آن نداشتم ، با اینهمه از آنها که ، تجلیات روح ایمان و ولایت مردم اصفهان را در طی مسافرت یکماهه معظم له بآنشهر مشاهده کرده و بچشم دیده و خود نیز در این احساسات و هیجانات شرکت داشته اند، آنقدر تعریف و تمجید شنیدم که از عدم توفیق خود در حضور در این سفر تاریخی و شرکت در این جنبش عظیم دینی ، بسیار متأسف شدم و چون تأسف را سودی ندیدم برآن شدم که برای جبران آن بی توفیقی، توفیق دیگری یابم و گزارش این مسافرت ولایت آثار و میمنت بار را باخامه ناتوان خود، که آنرا وقف خدمت بدین مبین اسلام و ترویج مذهب حقه جعفری (ع) نموده‌ام ، تنظیم نموده در دسترس برادران ایمانی و هم میهنان ایرانی خود قرار دهم باشد که در این روزگار تیره و

دوران فساد ، که دشمنان اسلام و شیعه ، از هر سو در کمین نشسته و با تیرهای تهمت وافتراء و دشنام و ناسزا ، مسلمانان و شیعیان را آماج اغراض شوم خود میسازند ، مشت گره کرده مردم بیدار دل و هشیار اصفهان را بر دهان یاوه سرا و بیهوده گویشان فرو کوفته این حقیقت را بجهان‌وجهانیان اعلام دارم که علیرغم تبلیغات سوء مغرضین و القائات شوم دشمنان دین ، هنوز قلوب پاك ملت ایران و جامعهٔ شیعیان با دل انگیز ترین احساسات و پر شورترین عواطف مذهبی در سینه ها می‌طپد و نه تنها نام‌مقدس برگزیدگان خدا و مظاهر مقدسه الهی یعنی پیشوای کبیر اسلام وائمه معصومین (ع) **بردلهایشان منقوش است بلکه مروجین مآثر و مبلغین شعائر آن انوار تابناك آسمان نبوت و ولایت ، یعنی علماء و دانشمندان دین‌و خدمتگزاران شرع مبین مورد احترام کامل قاطبه مردم متدین و حقشناس بوده سمپاشی و زهر افشانی‌مخالفین ومعاندین نتوانسته است رابطهٔ بین سازمان مقدس روحانیت وطبقات ملت راقطع سازد** واگر آن‌چنان‌که باید و شاید و دنیای کنونی نیز اقتضاد ارد احساسات مذهبی و عواطف‌و علائق دینی‌مردم‌بدرستی و شایستگی هدایت و رهبری شود بطور قطع و یقین ، آنها که کمر همت برای قطع درخت برومند اسلام و نهال جاویدان تشیع بر میان بسته‌اند و تیشه عنادولجاج و دشمنی بدست گرفته‌اند، کمترین توفیقی در این راه بدست نخواهند آورد چه هم اینان بودند که در این سالهای پرآشوب از نفوذ و رخنه کمونیسم در بین توده محروم و گرسنه و برهنه ملت ایران که از نظر اقتصا دی ازهر حیث مستعد قبول آن بوده جلوگیری نمودند .

علامه معظم‌حضرت‌آقای امینی، در این‌مسافرت‌تاریخی درسه مسجد مهم و بزرك از مساجد اصفهان : **مسجد سید - مسجد نو - مسجد جامع** با اقامه نماز جماعت به منبر جلوس فرموده بایراد خطابات دلنشین و بیانات آتشین و سخنان حکیمانه ومواعظ عالمانه که بیشتر

در حول محور ولایت دورمیزد، پرداخته‌اند که تمامی آنها بوسیله دستگاه ضبط صوت در نوار ضبط گردیده و با استنساخ ازروی نوار های تهیه شده بچاپ آن مبادرت شده است و بزودی این اثر نفیس و تاریخی و بی نظیر ، که خود یکی از شاهکارهای تبلیغی شیعه و یکی از مفاخر عالم تشیع و یکی از آثار درخشان روحانیت پر افتخار ماست در دسترس علاقمندان و شیعیان قرار داده خواهد شد و بیقین مجلدات آنرا چون کاغذزر خواهند برد وصیت شهرتش ، هر شهر و دیار را فرا خواهد گرفت و لذا آنچه که در این سفر نامه بنظر برادران ارجمند دینی میرسد جریاناتی است که درخارج از محیط منبر و محراب تاریخی معظم له ، قابل دقت وشایان بر رسی و در خور تفرس و غور رسی وعبرت آموزیست و اینك که خوانندگان عزیز با اشتیاق تمام انتظار استحضار بر این گزارش لذت بخش را دارند بیش از این بمقدمه نپرداخته بعرض مطلب مبادرت نموده آنرا بنام گزارش کتبی مسافرت دینی و مأموریت تبلیغی شاگرد بر جسته و وارسته حضرت مولی الموحدین و سید العارفین و دروازه مدینه علم پیغمبر (ص) و جانشین بر حق آنسرور مولی امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) بدر بار کیهان مدار آن شاه ولایت تقدیم میدارد باشد که در تهیه زاد و توشه اخروی ، این رو سیاه شرمسار از گناه را، بکار آید الحمد لله رب العالمین علی هذا التوفیق العظیم والصلوة علی الرسول الکریم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

☆ ☆ ☆

تبلیغ و اهمیت آن

پیش از آنکه بعرض جریانات این مسافرت تاریخی و تبلیغی بپردازیم، لازم میدانم از فرصت استفاده نموده شمه‌ئی در پیرامون اهمیت تبلیغ و لزوم و فوائد آن بعرض برادران ارجمند دینی برسانند تا بیشتر به تأثیر این سفر میمنت اثر در روشنی اذهان و استواری مبانی ایمان مردم پی ببرند .

بشر در هر دوره و عصر و زمان و با هر شکل و وضع و سازمان، از داشتن عقیده بی نیاز و آزاد نبوده همواره اقوام و ملل مختلف جهان با عقاید مخصوص خود بسر برده‌اند وهر یك در نشر آن و گرد آوری همفکر و از دیاد هم عقیده میکوشیدند و این جریان همچنان ادامه داشته و خواهد داشت که البته در این میان، عقیده به توحید و یکتا پرستی و ایمان بمبدء آفرینش ومنشاء پیدایش جهان و جهانیان یعنی ذات اقدس احدیت ومقام قدس الوهیت **بزرگترین افتخاریست که نصیب آدمی گردیده تاج رستگاری برفرق انسان نهاده است .**

هر یك از عقاید مختلف جهان فقط و فقط بوسیله یك عامل و نیرو توانسته است نشر یابد و در بین افراد رسوخ و نفوذ کند و آن عبارتست از:

تبلیغ

نه تنها عقاید باطله که فطرت پاك آدمی را بعنوان بزرگترین مانع برسرراه خود داشته و دارند بلکه **عقیدهٔ حقهٔ توحید ویکتا پرستی** نیز با مانع بزرگی که بنام نفس سر کش انسانی در راه پیشرفت خود باآن مواجه بوده است برای نشر و ترویج ورسوخ و نفوذ در بین مردم وجلب پیروان کاملا به این نیروی عظیم و شکست ناپذیر نیازمند بوده نگاهی

بتاریخ ادیان وقیام پیامبران وجنبش رادمردان پاکبازیکه برای رستگاری آدمی بپاخاسته و ازمیان ظلمت جهل وفساد وشرک و بیداد، درخشنده‌تر از خورشید تابان جلوه‌گر شدند و جهان را بنور ایمان بخدا روشن و منورفرموده‌اند، نشان میدهد که‌تبلیغ چه نقش مهمی در هدایت‌آدمی بعهده داشته است همانگونه که باطل جویان و کج پویان نیز ازاین عامل مؤثر برای فساد اجتماع و گمراهی خلق استفاده شایان برده و می برند .

حضرت نوح (ع) آن‌پیامبر بزرگ‌وآن‌رادمرد کهنسال، ۹۵۰ سال در بین قوم خود ندای توحیددرداد و هرگز از پای نایستاد ، تا فرمان یزدانی را به آنان ابلاغ کند و وظیفه تبلیغ خود را بانجام رساند .

دیگر انبیاء ور سل ، هریك در محیط وقوم و حوزهٔ مأموریت آسمانی خود ، این وظیفه بزرك را انجام داده آنی‌از کوشش ومجاهده و تبلیغ و ترویج حقیقت وپرستش ذات اقدس احدیت باز نایستاده‌اندکه دراین میان پیشوای عالیقدر اسلام ، آن یکه تاز عرصه رسالت وآ ن پاکباز میدان نبوت ، وظیفه مقدس تبلیغ را بحد اعلای امکان انجام‌داد و اساس آئین مقدس خود را بر پایه های استوار علم ودانش بنا نهاد و پیروان خود را به تبلیغ فضائل انسانی و ترویج مکارم اخلاقی فرمان داد .

قرآن کریم ، سند جاویدان رسالت و منشور سفارت الهی پیامبر والاتبار اسلام (ص) در این مورد اوامر اکیدو دستور های بلیغ دارد از جمله در آیه ۱۶۲ سوره‌النحل میفرماید :

ادع الی سبیل ربك بالحکمةو الموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن

یعنی: مردم را با حکمت و دانش و پند نیکو بسوی پروردگارت بخوان و با ایشان به نیکوترین راه مجادله و گفتگو کن .

این آیه‌شریفه ،هم‌شامل‌فرمان به دعوت و تبلیغ بسوی خد است و هم چگونگی و روش و وسائل این امر خطیررا نشان میدهد که باید با نیروی علم ودانش واز راه پند واندرز و مجادله نیکو در مقام تبلیغ بر آمد.

در آیه ۳۳ سوره فصلت میفرماید : **و من احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال انني من المسلمين**

یعنی کیست‌نیکو گفتار تراز آنکه بسوی خدا فرا خواند و کار شایسته کند و بگوید که من‌درشمارمسلمین و تسلیم شدگانم.

آیات مکرریکه‌درباره امر بمعروف و نهی از منکر وارد شده‌است در حقیقت مقدم بر همه چیز ، **دعوت بسوی خداو یکتاپرستی ودین حقه الهی را شامل میشود چه براستی هیچ معروفی از توحید بهتر نیست و هیچ منکری از شرك و کفر زشت تر نباشد** ولذاهر مسلمان بنام امر بمعروف و نهی از منکر ، وظیفه دارد که دیگران را بدین پاك و مقدس خود دعوت کند و او را از این طریق بشاهراه فلاح و رستگاری فرا خواند و البته علاوه بر این وظیفه عمومی نیز ، بنا بفرمان قرآن گروهی باید اختصاصاً باین امر مهم و وظیفه اساسی قیام نمایند که آنان اهل علم و دانشمندان ومبلغین و خطبا و نویسندگان و گویندگان‌دینی‌هستند که‌خداوند دانادراین مورد در قرآن فرماید.

ولتكن‌منكم امة يدعون الى الخيرويأمرون بالمعروف و ينهون عن‌المنكرواولئك‌هم‌المفلحون (آیه ۱۰۰ سوره‌آن عمران)

یعنی : از بین شما باید گروهی باشند تا مردم رابسوی خیردعوت کنند و بمعروف و خوبی امر نمایند واززشتی و بدی باز دارند واینان رستگار خواهندبود.

در اهمیت امر بمعروف و نهی از منکر همین بس که‌مولای‌متقیان و سرور پرهیز کاران جهان فرماید : **وماءعمال البر کلها و الجهادفي سبيل الله‌عند الامر بالمعروف والنهي عن المنكر كنفثة في**

بحر لجی (نهج البلاغه)

یعنی همه اعمال نیك و جهاد درراه خدادر برابر امر بمعروف و نهی از منکر جز کشتی در یك دریای طوفانی بیش نیست .

حضرت امام محمد باقر (ع) گشاینده دریچه حقایق تشیع و پایه گذار این مکتب مقدس در توصیف این فریضه مهم و فراموش شده و متروك میفرماید :

ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء فریضة عظیمة تقام بها الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المکاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء ویستقیم الامر (اصول کافی)

یعنی امر بمعروف و نهی ازمنکر راه پیامبران وروش شایسته گان فریضه بزرگی است که دیگر فرائض بسبب آن برپا میشود و مذاهب و روشها امن شده و کسب ها حلال گردد و مظالم رد و دفع شده و زمین آبادی یابد ودشمنان را بانصاف آرد و امر استقامت پذیرد

بطوریکه ملاحظه میشود ، امر بمعروف و نهی ازمنکر دراین حدیث شریف راه انبیاء شمرده شده است که آنان بیش از هر چیز **مردم را بسوی خدا و ترك شرك و کفر دعوت میفرموده اند** و لذا تصور میرود از همین مختصر اهمیت تبلیغ و بالطبع لزوم وفوائد آن آشکار گردد و نیازی به درازی سخن نباشد و ما برای جلوگیری از بسط کلام بدو حدیث از حضرت باقر (ع) و حضرت امام حسن عسکری (ع) اکتفا مینمائیم و امیدواریم از برکت وجود مسعود شان توجه کامل بامر تبلیغ دین مبذول گردد .

١ـ در جلد اول فروع کافی صفحه ٣٦٠ وصیتی از حضرت باقر (ع) به حضرت صادق (ع) بدینشرح نقل میکند که میفرماید: « **یاجعفر اوقف لی من مالی کذا و کذا النوادب تندب بنی عشر سنین بمنی ایام**

منی » یعنی ای جعفر از مال من فلان وفلان برای من وقف کن که مدت ده سال درمنی در ایام منی (حج)مراسم‌سوگواری بر پا شود •

که علامه معظم درص ۲۱ جلد دوم (چاپ دوم) الغدیر این حدیث گهر بار را نقل و توضیح کافی در باره آن مرقوم فرموده اند خلاصه آنکه مقصود حضرت از این وصیت عجیب و حیرت انگیر این بوده است که تا مدت ۱۰ سال هر ساله در منی در ایام حج که انبوه مسلمین از اکناف و اطراف بلاد اسلام باتسرزمین رهسپار میشو ند و در کنار یکدیگر درآن تابشگاه آفتاب جهانتاب شریعت انور احمدی (ع) گردمیایند ، مجلسی بنام سوگواری تشکیل شده و در نتیجه بنام تعزیه‌و نوحه از شخصیت آن حضرت‌و پدر وجد و خاندان مقدسش سخن بمیان آید و ازمحامد ومکارم حضرتش گفتگو شده و فضائل و محاسن وجوداقدسش گفته گردد وتوجه عمومی به خاندان طهارت و اهل بیت عصمت و کرسی نشنیان بر حق ولایت‌وصاحبان مسند خلافت جلب شود و حق‌از با طل شناخته آید وحجاب اوهامی که برا ثر تبلیغات باطل و القائات سوء و شبهات گونا گونی که بین مردم و حقیقت اصلی اسلام بوجود آمده بود بیکسورودو آفتاب حقائق شرع مبین از خانه هائی که خدا اذن بر افراشتن ذکر و نامش‌را فرموده است ، جلوه گر گردد •

این تدبیر معجزآسانهایت توجه آن امام بزرك رابا مر تبلیغ و استفاده از کلیه وسائل موجود درآن‌عصر آشکارمیسازد

ولی ما که امروزه انواع و اقسام وسائل‌تبلیغات رادر دسترس خودداریم متاسفانه استفاده چندانی از آنها نمیکنیم ودر مقابل دشمنان‌و تبلیغات روز افزونشان خاموش و ساکت نشسته‌ایم و با همین سکوت بر گستاخی‌و جسارت آنان در تبلیغ و ترویج باطل خویش میافزائیم •

۲- حضرت امام حسن عسکری (ع) از اجداد بزرگوارخود از حضرت

رسول اکرم (ص) نقل فرموده‌اند که رسول خدا (ص) فرموده : اشد من یتم الیتم الذی انقطع عن ابیه یتم الیتم انقطع عن امامه ولا یقدر علی الوصول الیه ولا یدری کیف حکمه فیما یبتلی به من شرایع دینه، الا فمن کان من شیعتنا عالما بعلومنا وهذا الجاهل بشر یعتنا المنقطع عن مشاهدتنا یتیم فی حجره الافمن هداه وارشده وعلم شریعتنا کان معنا فی الرفیق الاعلی (جلد اول بحار باب ۱۳ صفحه ۷۰)

یعنی : سخت تر از یتیمی که پدرش را از دست داده است ، یتیمی آن یتیم است که از پیشوا و امام خود جدا شده باشد (مانند منحرفین از دین و فریب خوردگان) و نتواند باو دسترسی پیدا کند و حکم و دستور او را در مواردی که از نظر شرعی بدان مبتلا میشود نداند ۰ آگاه باشید هر که از شیعیان ما باشد عالم بعلوم ماست و این نادان بشریعت ما که از دیدار ما منقطع و محروم است یتیمی بیش نیست ۰ آگاه باشید هر که او را هدایت و ارشاد کند و بشریعت ما تعلیم نماید در رفیق اعلی باما خواهد بود ۰







دنیای امروز عصر تبلیغ است

دنیای امروز ، جهان تبلیغ است •

هر ملت و قوم وفرقه و دسته وحزبی که فاقد نیروی تبلیغ باشد چون لالی است که زبان ندارد •

امروز هر دسته و فرقه‌ئی برای خود سازمان وسیعی برای تبلیغ تشکیل داده از آن برای دفاع ازمعتقدات و نشر عقاید خویش استفاده میکنند و از وسائل گوناگونی که‌در جهان مترقی امروز برای‌این‌مقصود وجود دارد حداکثر استفاده را میبرند •

روزنامه ها و کتب و مجلات ، رادیو و تلویزیون و فیلم سینما ، مجالس‌مختلف‌تبلیغی‌واعزام هیئتهای تبلیغاتی•••وسایر تدابیر واقدامات که هم اکنون از طرف دشمنان دین مبین مورد کمال استفاده برای اضلال مسلمین است ،هرکدام‌بنوبه خود در جلب اذهان و نشر افکارتأثیر بسزائی دارند ولی ؟

ولی متأسفانه تنها حزب خدا ، یعنی فرقه حقه شیعه و مذهب برحق امامیه و آئین مقدس جعفری است که در این غوغای ما دیگری و بیدینی و فساد جهان ؛ مهر سکوت و خموشی بر لب زده در قبال دشمنان دین چنان لب از گفتار فرو بسته اند که حتی تحریکات دشمنان و تبلیغات بیگانگان راعلیه خودبهیچ میشمرند وبعناوین مختلف و معاذیرگوناگون و بهانه های ناموزون از مقابله با آنان و دفاع از حقانیت طریقه حقه خود و نشر و ترویج آن باز میایستند و سر باز میزنند •

گاهی میگویند خداوند فرموده است **نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون** (یعنی ماقرآن را فرستاده‌ایم‌و خود آنرا حفظ خواهیم کرد) و نگاهبانی آنراتضمین‌فرموده است واحتیاجی باین اقدامات نیست •

گاهی میگویند نام اهل باطل را بمیان آوردن آنها را بزرگ

میکند . باید آنهارا بحال خود گذاشت تا خود بخود از بین بروند ودلیلشان اینست که **الباطل یموت بموت ذکره** (باطل با مرگ نامش از بین میرود)

بعضی ها که از دین جز دعا نمیدانند و کار و کوشش و قیام و جنبش را در جهان واگذشته و به ذکرودعا پرداخته اند خیلی که بخواهند برای دین دلسوزی کنند با قیافه زاهد مابی میگویند :

باید امام زمان (ع) بیاید و کارها را اصلاح کند ، دعا کنید خدا آن صاحب اصلی را برساند .

گروهی دیگر وقتی نام تبلیغ و ترویج دین رامیشنوند فورا مجالس سوگواری را بخاطر میاورند و مخصوصا ازدحام مردم را در ایام عاشورا و قتل و شبهای احیاء ماه رمضان در نظر مجسم میسازند و غافل از آنکه مشتریان رادیو ها وسینما ها و کافه ها ومیخانه هاوبلیطهای بخت آزمائی و سایر منکرات ومحرمات نیزازهمین مردم هستند ، برونق ظاهری بازار دین ، دینی که مردم برای خود ساخته اندنه دینی که خدابرای مردم خواسته، فریفته میشوند و با خود میگویند : تبلیغ از این بیشتر ؟!

اما اینها همه در اشتباهند زیرا :

درست است که خداوندحفظ دین خود را تضمین فرموده است ولی در مقابل باید توجه داشت **که ابی الله ان یجری الامور الاباسبابها** (خداوند ابا دارد از اینکه جریان اموررا جزباسباب ووسائل واگذارد) و همانگونه که جریان وانجام هر کار و نیل بهر مقصودی وابسته به اسباب و ابزار آن است حفظ دین نیز البته با تأییدات و توفیق الهی که شامل حال پیروان حق است .

نیازمند به وسائلی است که باید بکار برده شودوتنها دراینصورتست که میتوان مرگ باطل را آرزو نمود ودر حقیقت باطل هنگامی از بین میرود که نامش از بین برود و از صفحه روزگار محو شود نه آنکه در مقابل فعالیت وجنبش وترویج و نشرش سکوت گردد و اگراین منطق

واقعا صحیح و نتیجه بخش است چرا ما خود دائماً نام شیطان را برزبان می بریم وحال آنکه شیطان نخستین سنك بنای باطل را کار گذارد ورهبری تمام باطل پویان را از آغاز تاریخ تا کنون بعهده دارد.

اگر باطل باموت ذکرش از بین میرود پس نصرانیت ، این آئین منتسب به حضرت مسیح (ع) ومنحرف از حقیقت تعالیم آن حضرت، باوجودی که مسلمین را قرنهاست کاری با آن نیست چرا از بین نرفته وروز بروز رو بتوسعه بوده نه تنها صدها هیئت تبلیغاتی در بین مسلمانان پراکنده ساخته وبنشر مذهب خود میپردازند بلکه افکار و عقاید و تمدن میشوم خودرا بر پیروان قرآن تحمیل کرده‌اند و از دویست سال پیش تا کنون نیز به تأسیس مذاهب ساختگی و ادیان مجعول پرداخته اند ؟؟

اگر قرار بود کارها با دعا انجام پذیرد وهمهٔ مشکلات حل شود مگر پیامبران عظام (ع) مخصوصاً حضرت خاتم الانبیاء (ص) وائمه هدی (ع) نمیتوانستند فقط بانیروی دعا دشمنان را دفع کنند و بر باطل پیروز شوند ؟ پس چرا آنهمه مجاهده وکوشش در راه مبارزه با باطل از خود ابراز داشتند ؟ آیا جز آنکه این جهان (۱) محل تلاش و فعالیت و مبارزه است ؟

راست است که اصلاح قطعی جهان و محو نهائی ظلم وشرك وفساد بدست توانا ویداللهی مصلح کبیر عالم بشریت ومهدی (ع) منتظر این امت است ولی این دلیل آن نیست که ما بکلی از کار وکوشش بازایستیم ودست بروی دست گذاریم و عاطل و باطل مانیم و برای دفاع از دین و نشر و ترویج حقائق شرع مبین کوچکترین جنبشی از خود نشان ندهیم بلکه بعکس انتظار ظهور آن حضرت که یکی از مشخصات پیروان

۱ـ اگر به فرمایش پیغمبر (ص) یعنی الدنیا مزرعة الاخره توجه کنیم به این حقیقت بیشتر متوجه میشویم چه مزرعه جای کوشش و زحمت ورنج گرمای تابستان وسرمای زمستان است .

مذهب حقه تشیع است، ملازم با آنست که همواره آماده برای کوشش وقیام و جهاد باشیم چه نیکوست که در این مورد و برای رد اینگونه عقاید و افکار ناوارد به قرآن کریم، کتاب آسمانی خود، مراجعه کنیم که دستور جامع و اساسی بما داده میفرماید :

واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله وعدوکم • (از آیه ٦١ سوره انفال)

یعنی : و برای ایشان آنچه که بتوانید **قوه** مهیا سازید و از اصطبل های مخصوص اسبان که با آن دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید

در این آیه شریفه کلمه « **قوه** » اعم است از هر گونه نیروئی که برای ترسانیدن دشمنان خدا و دین مورد نیاز باشد که البته باید قوای مختلفی که برای این امر لازم است بر نیروهای دشمن برتری داشته باشد تا دشمنان از آن بترسند و اندیشه هجوم و نفوذ در بین مسلمین را در سر نپرورانند و همانگونه که باید با اسلحه ومهمات و ساز و برگ و تجهیزات کافی و کامل دشمن را از هر گونه تاخت و تاز به آب و خاک خود باز داشت **نباید باو اجازه داد حتی افکار وعقاید حقه ما را با القائات سوء وتبلیغات شوم خود مورد حمله قرار دهد و لذا در دنیای کنونی همچنانکه مسلمین از نظر مادی باید به اسلحهٔ آتشین و وسائل نوین مسلح شوند تا بتوانند حمله دشمن را دفع کنند، از لحاظ معنوی نیز باید با خرین وسائل تبلیغاتی که دنیای کنونی در دسترس ما قرار داده است مجهز گردند •**

آنروز که پیشوای مقدس ما برای بکرسی نشاندن کلمه توحید بپاخاست وسر انجام کارش با کفار و مشرکین به جنگ کشید، وقتی جناب سلمان فارسی پیشنهاد حفر خندق را بآنحضرت معروض داشت بیدرنك مورد تصویب مقام مقدس رسالت (ص) واقع شد و حتی آنسرور بشر خود در این کار شرکت فرمود و رنج خندق کنی را بر وجود اقدس خود هموار ساخت و امروز هم که ما میراث بزرك آن پیغمبر و الامقام را مایه فخر ومباهات

و رستگاری خویش میدانیم باید با توسل بوسائل و اسباب وابزار کار، خود را برای مقابله با دشمنان دین آماده سازیم و نخست تبلیغات سوء آنان راخنثی نمائیم وسپس به نشر وترویج آئین بر حق و مذهب رستگاری بخش خود همت گماریم وانجام این وظیفه اساسی و مهم را، که درحقیقت همان فریضه امر بمعروف و نهی از منکر است ، دنیای امروز کاملا برای، ما آسان ساخته و انواع و اقسام وسائل تسهیل آنرا در اختیار ما قرار داده‌است وما باید برای تبلیغ دین حدا کثر استفاده از آنها را ببریم

امروزمطبوعات نقش مهمی در این امر بعهده داردو هیچ حزب و دسته و جمعیت و مذهبی نیست که از این نیرو استفاده نکند و برای نشر عقیده و ترویج آئین خود روزنامه و مجله رسمی و ارگانی نداشته باشد و تنها مذهب شیعه است که فاقد یك نشریه رسمی است که دارای ارزش بین المللی بوده بعنوان زبان و ارگان حزب خدا شناخته شود •

کتابهائی که بنام شیعه و برای ترویج تشیع و دفاع از مبانی مذهب جعفری نوشته و منتشر میشود جنبهٔ شخصی و انفرادی داردو هر کس که در این راه قدم بر میدارد در حقیقت بیك جهاد شخصی قیام میکند چنانکه **مثلا فعالیتهای قدمی و آثار قلمی حضرت آیة الله آقای سید شرف الدین الحسینی** درلبنان و یاخدمات **گرانبهای مرحوم امین اعلی الله مقامه** در شامات ارتباط و بستگی بیك ساز مان تبلیغاتی و تشکیلات مذهبی نداشته و ندارد . و نیز خدمت **بزرگی که علامه معظم ما (حضرت آقای امینی) در تالیف وتدوین گنجینهٔ گرانبهای الغدیرو نشر وانتشار آن درسراسر کشورهای اسلامی انجام داده‌اند فقط و فقط نتیجهٔ همت والای معظم له بوده است •**





الغدیر چه نیروئی است

الغدیر بتحقیق یکی از بزرگترین مفاخر شیعه در عصر حاضر است که هر فرد شیعه در هر نقطهٔ از جهان ، مخصوصاً آنها که در بلاد اهل تسنن بسر میبرند . باید بآن ببالندو خداوند بزرك را سپاس گویند که چنین سند محکمی را برای حقانیت مذهب جعفری در دسترس شیعیان و موالیان اهل بیت (ع) قرار داده است

الغدیر ، نتیجه یك عمر کوشش ومجاهده ، مطالعه و تفحص ، تحقیق و تتبع عمیق و مبتکرانه ، برای یافتن گوهر های پراکندهٔ حقائق تابناك در کتابخانه ها و کتب اهل سنت بوده و بتحقیق میتوان گفت که در عالم علم و ادب ، تاکنون چنین تحقیق دقیق وتتبع عمیقی کمتر سابقه دارد و این حقیقت را تنها اهل فن میتوانند در یابندو تشخیص دهند چنانکه دریافته اند .

الغدیر . خرمنی از حقائق و دلائل تابناك و استوار حقانیت آئین مقدس جعفری است ، که خوشه های گرانبها ی آن از بین ده هزار کتاب عامه گرد آوری و به بهترین وجه وشیواترین اسلوب وبدیع ترین روش و جذابترین قلم و فصیح ترین بیان و بلیغ ترین کلام ، تالیف گردیده است و بسیاری ازمنابع و مآخذ مورد استنادآن ، با مساعی و فداکاریها و صرف وقتها و حتی توسلات و کرامات بسیار بدست آمده و مورد استفاده قرار گرفته که این خود داستانی دلپزیز و شنیدنی است .

آنها که الغدیر را دیده و خوانده و هر کلمه و سطر وصفحه و فصل و عنوانی از آنرا در صفحات کتاب دل خود نقش نموده‌اند . خوب میدانند که خدایتعالی چه قلم توانا و معجز آسا و چه نیروی فکر و بیان رسائی به این عالم بزرك و نامی و این راد مرد با همت و با عظمت واین دانشمند علیم شجاع متقی کرامت فرموده که توانسته است با همت و الا

و اندیشهٔ رسای خود امانت بزرك و گرانبهای روز تاریخی غدیر را چنین دل انگیز و زیبا به موالیان مولی‌امیر المؤمنین(ع)اهداء نماید.

حضرت آیة الله امینی مؤلف‌دانشمند الغدیر که حقا باید ایشانرا « امین الغدیر »نامید ، با خامه سحر آساودر ربارخود چنان انقلاب فکری و تحول روحی در جهان اسلام و در بین مذاهب مختلفه اسلامی بوجود آورده اند که هر گز تصور نمیرفت فردی بتواند چنین تحول‌دینی عظیمی را در جامعه مذهبی پدید آورد ویابهترخلق کندبطوریکه امروز در تمام نقاط و مراکز اسلامی مردان علم و دانش به مبانی و حقایق تشیع آشنابوده وحقانیت شیعه راتصدیق نموده ودست از معتقدات تعصب آمیز و عنادخیز خود برداشته و به حق و حقیقت متوجه شده‌اند و زبان به ثنا و سپاس از الغدیر و مؤلف باجلالت آن گشوده‌اند بطوریکه مجموع تقریظاتی که برالغدیر از طرف بزرگان ودانشمندان عالم‌تسنن نوشته شده‌است کتابی بزرك تشکیل میدهد .

اگر کسی با نظردقت آثار قلمی بزرگان عرب را که‌در پیرامون «الغدیر» قلمفرسائی نموده‌اند و نظریات منصفانهٔ خود را در دسترس همکیشان خویش گذارده‌اند ، باآن‌نویسندگان در قدردانی و حق‌شناسی شریك بوده انگشت حیرت‌بر دهان‌گذارند و زبان به مدح وثناگشایند و ما اکنون برای توجه وبیداری خوانندگان گرامی وبرادران عزیزدینی نام جمعی از ایشان را در این مختصر ذکر مینمائیم

۱ ـ امام‌یحیی پادشاه بافضیلت و فقید یمن که تقریظ معظم له در جلد سوم چاپ دوم (الغدیر) مندرج است .

۲ ـ عبدالله بن الحسین پادشاه فقید اردن هاشمی (جلد سوم چاپ دوم)

۳ ـ فاروق پادشاه سابق مصر (جلد پنجم)

٤ ـ محمدعبدالغنی حسن المصری یگانه نویسنده با عظمت وشهیر مصر (جلد اول‌چاپ دوم)

٥ ـ دکتر محمد غلاب استاد فلسفه در کالج مصر (جلد چهارم)

٦ ـ استادعبد الفتاح عبدالمقصودصاحب کتاب‌مشهورالامام علی (ع) در چهار مجلد (جلد ششم)

۷ ـ دکتور عبد الرحمن کیالی دانشمند صاحب تألیف حلب که چند دوره بمنصب وزارت گماشته شده (جلد چهارم چاپ دوم)

۸ـ آقاشیخ‌محمد سعید دحدوح امام جمعه وعالم شهیرشهرحلب (جلد دوم چاپ دوم)

این مرد بزرك وروحانی جلیل درپرتو انوار هدایت بخش وتابناك الغدیربه مولای واقعی وخلیفهٔ حقیقی مقام مقدس رسالت که درروزغدیر منصوب گردید ، ایمان یافته وخود وپدرش شیخ محمد بشیروخانوادهٔ وی وجمعی از جوانان فهمیده و حق جوی حلب به زیور تشیع متحلی‌وآراسته شدند .

۹ ـ شیخ محمد سعید العرفی مفتی وعضوالمجمع‌العلمی‌العربی دمشق (جلد ششم) .

۱۰ ـ بولس سلامه بیروتی قاضی مسیحی که کتاب مهم « ملحمة الغدیر » را دراثرخواندن الغدیر برشته تحریردرآورده‌است. (جلد٦ و۷)

۱۱ ـ دکترصفا خلوصی استاد روشنفکر دانشگاه لندن (جلد ٥)

۱۲ ـ علاء الدین خروفه رئیس‌محکمه شرعی موصل که از فارغ ـ التحصیلهای‌جامع‌الازهراست (جلدیازدهم) .

۱۳ـ یوسف اسعد داغریگانه مؤلف کثیرالتألیف سوریه (جلدیازدهم)

۱٤ ـ شیخ‌محمد تیسیرازدانشمندان مشهورشام (جلد یازدهم) .

۱٥ ـ استاد عادل غضبان از بزرگان نامی مصروصاحب مجله‌الکتاب



شهادت و گواهی این بزرگان عالم تسنن، که هر یك تقریظی بر

این اثر بزرک وجاوید جهان تشیع یعنی الغدیر مرقوم داشته اند . درحقیقت تصدیق برحقانیت مذهب حقه جعفری است وجائی که آنان بدینگونه قلم بر صدق مدعای شیعه بروی کاغذ آورند و بدینسان آئین پاك ما را تأیید نمایند برشیعیان لازم وضروریست که درراه دفاع ونشروترویج وتبلیغ آن نهایت مجاهدت وکوشش را مبذول دارند ومخصوصاً بکوشند که مساعی انفرادی راکه دراین راه بعمل میآید متمرکز سازند وخدمات گرانبهاومؤثری به عالم تشیع بنمایند تا انشاءالله بیش ازآنچه که تاکنون از اقدامات فردی عاید جامعه شیعه شده است نتایج درخشان وبارز بدست آید .

باری بطوریکه گفته شد کلیه اقدامات وفعالیتهائی که بنام تبلیغ و ترویج دین صورت گرفته ، جنبهٔ شخصی و فردی داشته و مورد حمایت و پشتیبانی همهٔ علاقمندان به مذهب جعفری وریزه خواران این خوان گستردهٔ هدایت الهی قرار نگرفته وهریك بعناوین مختلف ازمعاضدت ومساعدت و همکاری ویاری خود داری نموده اند **بطوریکه امروزدرسراسرجهان مذهب شیعه فاقد زبان رسمی و نشریه اسمی است** وبیگانگان نیز اگراسلام را شناخته ومیشناسند یا خود بر اثرتحقیق وتتبع علمی وتاریخی ومذهبی در مقام شناسائی آن برآمده اند ویا آنچه درباره اسلام میدانند ازمنابع اهل تسنن بدست آورده وپایه تحقیقات وتتبعات علمی وقلمی خود را براساس معتقدات عامه بنا نهاده اند که معلوم است این روش تحقیق و نتایج آن اگر بزیان شیعه نباشد سودی بحال شیعیان وعالم تشیع ندارد چه نوشته ها وآثار این محققین بیگانه هرچند که نام اسلام را درجهان بالا میبرد و اذهان بیگانگان رانسبت به آئین پاك مسلمانی روشن میسازد وآتش عناد ولجاج تعصب آمیزدیرین را خاموش میکند ولی متأسفانه مذهب شیعه را آنچنان که بایدوشاید معرفی نمیکند و در تاریخ اسلام بنام یك مذهب وفرقه منشعب ازآن وانمود میسازد بطوریکه درجهان امروزاسلام برپایه عقاید ومذاهب ومشرب اهل سنت معروف بوده شیعه در نظر آنان

فرقه ئی ازفرق اسلامی است که البته نشر کتب روز افزون در رفع این شبهه دیرین تأثیر بسزائی خواهد داشت .

« دکتر گوستاولوبون » فرانسوی ، صاحب کتاب « تمدن اسلام و عرب » ، آن‌مرد دانشمند محقق جهانگرد بزرك ، با همه تحقیقات و تتبعاتی که درباره اسلام وتمدن درخشان آن نموده وحتی آثار تمدن اسلامی را از نزدیك درممالك عربی دیده است درفصل سوم از باب سوم از کتاب دوم تاریخ مزبور تحت عنوان « خلفاء راشدین » مینویسد :

« خلیفه اول اسلام ابوبکراست . پیغمبریکدفعه اورا برای امامت از طرف خودبه مسجد فرستاد و همین هم سبب انتخاب وی گردید » !!!

این بیان نشان میدهد که استناد مؤلف دانشمندفقط بمنابع اهل تسنن بوده است و بس واتفاقاً « جان دیون پورت » نویسندهٔ معروف انگلیسی نیزدر کتاب مشهورخود بنام « محمد وقرآن » که اخیراً از طرف نویسندهٔ دانشمند آقای غلامرضا سعیدی بفارسی شیرین وسلیسی ترجمه وبنام « عذر تقصیر به پیشگاه محمدوقرآن » دوبار بچاپ رسیده است ، مرتکب همین غفلت واشتباه شده وعلت انتخاب ابوبکر را بسمت خلافت ازطرف مسلمین امامت اودر نمازدرمرض موت حضرت ختمی مرتبت (ص) میدانند وحال آنکه طبق‌اخبارصحیحه ومعتبره ، آنحضرت هنگامی که ازقیام ابوبکر بنماز آگاه شدند با تکیه به داماد گرام خود علی (ع) از خانه بمسجد تشریف فرما شدند وابوبکررا کنارزده بنمازایستادند وپس ازنمازآخرین وصایای خود را با مردم درمیان گذاردند واینکه دو نویسندهٔ مزبوروغالب نویسندگان اروپائی این مطلب راعنوان کرده اند برای همین بوده است که فقط بمنابع اهل تسنن وکتب عامه دسترسی داشته اند و زحمت تحقیق درباره شیعه بخود نداده‌اند وگرنه درمییافتند که خلافت ابوبکرنه تنها باجماع مسلمین نبوده وسایه افتضاح سقیفه بنی ساعده را برسر داشته است بلکه

اساساً آن بیعت جابرانه ایکه درسقیفه مزبورو بزورشمشیر برای ابوبکر گرفتهٔ شد ارتباطی بامامت وی در نماز نداشته است واین از جهاتی است که بعداً پیشروان عامه جعل نموده اند و این مطلب وصد ها نکات مبهم و شبهات مختلف نظیر آن در « الغدیر » مورد بحث دقیق قرار گرفته وبا تتبع وتحقیق کافی ووافی ازهرحیث روشن شده است •

لازم بتذکر نیست که یك علت عمده غفلت نویسندگان خارجی، سکوت و خاموشی شیعیان در مقابل بیگانگان است وحال آنکه خود مذهب شیعه، از نخستین روز با نیروی تبلیغ و کوشش علمی وجهاد وفداکاری وجانبازی توانست اززیر بارظلم وفشار وتهدید وتطمیع وقتل وغارت خلفاء جوروحکام ستمگر قدعلم کند وبادادن قربانیهای بیشمار وریختن خونهای بسیار ومجاهدات خستگی ناپذیر و کوششهای بی نظیر در نقاط مختلف ممالك اسلامی نفوذ وانتشاریابد ورسمیت واستقرار آن نیزدرایران مرهون همین فداکاریها وتلاشها بوده که چون بعلت رشد احساسات استقلال طلبی ایرانیان وتبعیضی که اززمان عمر بین عرب وعجم رایج شده بود زمینه کاملا برای نفوذ مذهب تشیع آماده ومساعد بود لذا بیشتردرایران نفوذ کرد •

امروز گروهی بسیارازجوانان ما بر اثر بی خبری از حقائق دین و غفلت ازآموزش صحیح اصول عقاید دینی (که نوعاً جنبه طوطی واری و غیراستدلالی دارد) بکلی از حقانیت مذهب تشیع ومبانی شیعه بی خبرند و آنرا بغلط یك مذهب سیاسی میدانند که بدست صفویه ایجاد شده و متأسفانه تبلیغات سوء دشمنان و کجروان این فکر غلط را تقویت نموده است **که بایدازطرف اهل منبر ومبلغین دین، دررفع این شبهه توجه کامل مبذول شود وما نیز بمناسبت مطلب میکوشیم که شمه ای درپیرامون مبانی تشیع سخن بگوئیم .**

نخستین کسی که مذهب حقه شیعه را بنا نهاد و اساس متین و الهی آنرا استوارفرموده ذات مقدس حضرت رسول اکرم (ص) بانی اسلام بود که در دوران حیات پرافتخار خود این بنای رفیع را برافراشت وکاخ سر





به بهشت کشیدهٔ تشیع رابپا داشت چنانکه بارها خطاب به مولای متقیان علی (ع) فرمود : **یاعلی انت وشیعتك هم الفائزون** یعنی : ای علی ! تو وشیعه تودرشماررستگارانند .

حدیث ثقلین که درصحاح سته وغالب کتب معتبره (رجوع به جلد - الغدیر) مندرج است ، یکی از پایه های اساسی و ارکان متین مذهب مقدس جعفری وشیعه اثنی عشری است که نشان میدهدبانی رویه این مذهب کسی جز وجود بیمثال حضرت خاتم الانبیاء (ص) نبوده است که بکرات فرموده اند : انی تارك فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابدا کتاب الله وعترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یعنی : من در بین شما دوچیز گرانبها برجای میگذارم که اگر بآنها متمسك شوید هرگز پس ازمن گمراه نشوید کتاب خدا وعترت وخانواده ام. هرگز جدا نشوند تا اینکه روزقیامت درحوض برمن وارد شوند (١)

پس از رحلت آنحضرت وپیشامد غصب خلافت ، متأسفانه دست امت ازتمسك به این حبل متین الهی یعنی اهل بیت عصمت وطهارت (ع) کوتاه شد وبسبب آن نیزازحقائق ومعارف حقیقی قرآن وعلوم الهی پیغمبراکرم (ص) که بمیراث به خاندان مقدسش رسیده بود محروم گردید ودرآن زمان تنها چند تن ، امثال : سلمان - اباذر - مقداد - عماریاسر - حذیفه باین وصیت وفادار ماندند وبه پیروی علی (ع) وتشیع ثبات قدم نشان دادند وتا میتوانستند درنشرفضائل علی (ع) وحقانیت خاندانش کوشیدند ورفته رفته پیروان وشیعیان علی (ع) با مشاهده آثار کرامات وعلوم آنحضرت

١ - از کتب عامه که بوسیلهٔ نویسندگان معاصر مصری نوشته شده است کتاب «محمد المثل الکامل» تألیف احمد جاد المولی است که بنام «عظمت محمد» ترجمه و دو بار چاپ شده است و این حدیث را ضمن خطبه آنحضرت درمراسم حجة الوداع در روز عرفات نقل میکند که مایه تنبه و بیداری وعبرت مخالفین شیعه است .

رو بفزونی نهادند و با وجود سختگیری خلفاء جور مخصوصاً جنایات و وفجایع معاویه روز بروز برشماره ایشان افزوده میشد وچون محیط عربستان وعراق را برای زیست واظهارعقاید خود مناسب نمی دیدند بسوی ایران روی میاوردند ودر گوشه و کنار پنهان میشدند وبنشر تشیع میکوشیدند و خدا میداند که دردوران معاویه وبنی امیه وبنی عباس چقدر ازشیعیان در راه محبت و ولایت علی (ع) و اولادش شربت شهادت نوشیدند که باید بکتب مربوطه مراجعه نمود .

نخستین بار در زمان سلطنت آن بویه (دیالمه) شیعیان توانستند آزادی در نشر مذهب حقه پیدا کنند و آن‌سبب تشیع پادشاهان این‌سلسله بود که‌از جمله در روزعاشورای سال ۳۵۲ هجری‌در بغداد بامرمعزالدوله دیلمی در بغداد تعطیل عمومی اعلام شد وچنانکه اکنون مرسوم است تمام بازار ها و دکاکین بسته شدو سیاهپوش گردید و حتی بنا بدستور او زنان بالباس سیاه در شهر براه افتاده برسر و سینه میزدند و نوحه سرائی میکردند و بدین ترتیب برای نخستین بار در عالم اسلام مراسم رسمی عزاداری بر حضرت سید الشهداء (ع) بر گزار شد و چندین‌سال ادامه داشت .

در سال ۳۷۲ نیزعضدالدوله دیلمی که‌از بزرگترین شاهان‌این‌سلسله بود مجالس سوگواری رسمی از طرف شاه وامنای دولت‌تشکیل گردید و بر منابر بذکر مصائب اهل بیت (ع) پرداختند .

در زمان سلطان محمد خدا بنده بر اثر اشکالی که در مسئله طلاق همسرش پیش آمده بود و علماء مذاهب اربعه بر اثر ادای صیغه طلاق از طرف سلطان حکم به رهائی میدادند ، بنا بر توجه بعضی از نزدیکان امر باحضار حضرت علامه حلی ، که از نوابغ عصر و دواهی دهر و بزرگان و مفاخر کم نظیرعالم تشیع است ، داد و آن عالم جلیل از حله به سلطانیه مقر شاه خدا بنده نزول اجلال فرموده ولدی الورود

درمجلس سلطان مناظراتی بین دانشمند نامی وعلمای عامه در گرفت که برسوائی ومحکومیت آنان منجر شدو سرانجام چنانکه در تواریخ مضبوط است سلطان محمدخدابنده، تشیع اختیار کرده ومقرر داشت که در مساجدو مجامع خطبه بنام یکتا مولود خانه کعبه امام البرره و قاتل الکفره حضرت علی المرتضی (ع) و ائمه هدی (ع) ایراد شده و روی مسکوکات رسمی . سه کلمه طیبه

لااله الاالله

محمد رسول‌الله

علی ولی الله

رابموازات هم نقش کنند و جناب علامه حلی را نیز در نزد خود نگاهداشت و معزز و گرامی داشت و لذا در پیرامون آن شمع حقیقت تاب • حوزه تبلیغی و درسی مهمی بوجود آمد و طلاب علوم دینی پروانه وار گردش را گرفته و از آن پس شیعیان توانستند آشکار اقدم درمیدان تبلیغ و نشر تشیع نهند و فضائل و مناقب اهل بیت (ع) را منتشر سازند

رسمیت کامل مذهب شیعه در زمان سلطنت با اقتدار صفویه صورت گرفت و در تاریخ ۹۰۷ هجری که شاه اسماعیل صفوی در تبریز بر تخت سلطنت جلوس نمود مذهب تشیع را رسمیت داد و تمام سلاطین صفوی غیر از شاه اسماعیل ثانی که مذهب تسنن داشت، هریك بنوبهٔ خوددر نشرو ترویج مذهب حقهٔ جعفری ، که بدست پیغمبر اکرم (ص) بنا شده وبدست حضرت صادق (ع) پرورش یافته وبصورت امروزی پایه گذاری شد ولذا بنام مقدس حضرتش نامیده میشود ، کوشیدند و در بنا و تعمیر و تجدید بقاع متبرکه و مشاهد مشرفه و احیاء علوم شیعه و نشر معارف اثنی عشریه ازهیچگونه مساعی و کوشش دریغ نفرموده اند چنانچه تدوین دائرة المعارف بزرك شیعه یعنی بحار الانوار که بهمت والای مرحوم مجلسی (ره) صورت گرفت بر اثر تشویق و معاضدت سلاطین دین پرور و معارف گستر صفوی بود که خداوند ایشانرا با اجداد طاهر ینشان محشور فرماید.

علاوه بر توجه کاملی که سلاطین صفوی بنشر علوم و معـارف و تدوین و تالیف کتب و تشکیل حوزه های‌علمیه داشتند، برای جلب قلوب مردم و کشت تخم محبت اهل بیت (ع) دردلهای عوام گروهی مداح بـا لباس سفید وهیأت جالب و یك شکل و بامقرری وحقوق دولـتی بنقـاط مختلفه کشوراعزام شدندکه با خواندن مدایح وقصائد توده ملت را که تا آن هنگام درسلك تسنن بودند . بسوی‌اهل‌بیت عصمت و طهارت‌ومذهب تشیع جلب کنند و اینان از این راه خدمات گرانبهائی انجام دادند ولی متاسفانه رفته رفته آن شیوه و رسم‌پسندیده تبلیغاتی متروك شد و صوفی بازی و درویش مسلکی در بین اینان رواج یافت و ازکار پرافتخار تبلیغ به کنج خانقاه وخرابات پناه بردند و موجبات تقویت تصوف در ایران فراهم شد و در نتیجه در دوران قاجاریه مذهب پاك و بی پیرایه تشیع با درویش بازی وصوفی مسلکی وعرفان‌مآبی و خانقاه‌نشینی وقطب‌تراشی و مرشد سازی و خرابات روی و آثار شوم آن آلوده شد و کار بجائی رسید که از هر سو مورد هجوم دشمنان دین واقع شد وهر روز فرقـه و مذهب و آئینی در مقابل آن ساخته و ابداع‌نمودند و پیروانشان رابنام شیخی و بابی و بهائی بجان مردم انداختند .

تفصیل بیشتر در باره پیدایش مذهب تشیع‌ازحوصلهٔ این‌کتاب‌خارج و ما علاقمندان را برای درك‌کامل این حقیقت به جلد سیم الغدیر و کتاب گرانبهای« الشیعه‌فی‌التاریخ» تالیف علامه بزرك شیخ محمد حسین زین عاملی و نیز به تالیفات نفیس و پربهای حضرت آیة الله سید شرف‌الدین الحسینی راهنمائی میکنم .



دیگر وسائل تبلیغی دنیای کنونی یعنی رادیو و تلویزیون وفیلم سینما) البته مقصود دستگاه فیلمبرداریست نه سینما های شهوت انگیز و مفسد اخلاق کنونی) و دستگاههای ضبطصوت بزرك و کوچك (جیبی)

و اعزام هیئتهای تبلیغی وتشکیل مجالس مناظرات وتبلیغاتی وکنفرانسها و کنگرههای دینی هر یك بنوبه خود نقش مؤثر و اساسی در ترویج حقائق تشیع و علوم معارف الهی پیشوایان مذهب جعفری یعنی ائمه معصومین (ع) بعهده دارند که متأسفانه از آن غفلت میشود .

علماء و بزرگان در انتظار محال **موت ذکر باطلند** وتوده مردم هم که از دین و آئین جز ظواهری وحشویاتی بدون معرفت وعمل چیزی نمیدانند اساساً در این اندیشه نیستند و ورد زبانشان « **موسی بدین خود عیسی بدین خود** » است و باهر دشمن دین وخصم آئین از یهودی و نصرانی و زردشتی و بهائی و مادی و شیخی و صوفی همنشین و معاشرند و با آلوده گی عمومی بمعاصی و منکرات و محرمات ، تحت تأثیر افکار و عقاید آنان قرار دارند چنانکه همین جمله «هر که بدین خود» که در حقیقت ردبر امر بمعروف و نهی از منکر است ،از شعارهای تبلیغاتی بهائیان است.

اگر همان رویهئی که بزرگان و علماء پیشین در ترویج و نشر تشیع در پیش گرفته بودند همچنان دنبال میشد نه تنها امروز یگانه کشور شیعه جهان از هر سو کنام دزدان دین ربا و دشمنان آئین خدا نمیشد بلکه مذهب حقهٔ تشیع برادران سنی ما را بسوی خود جلب مینمود و جهان و جهانیان را بحقانیت آن آشنا میساخت ولااقل این تو هم را که شیعه فرقهئی از فرق اسلام است ، از بین میبرد و بدنیا نشان میداد که **شیعه همان اسلام است و اسلام چیزی جز تشیع نیست**

این حقیقت بزرك كاملا از آیه شریفه :

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا مستفاد میشود چنانچه حضرت آیة الله آقای امینی در منابر خود در اصفهان ضمن بحث در پیرامون این آیه شریفه وافی هدایه این نکته دقیق را تشریح فرمودند که رضای خداوندی بنص آیه مبارکه ازاسلامی است که مقرون به ولایت کبری بوده که اکمال دین و اتمام

حرکت باصفهان

از مدتی پیش، از طرف بعضی از علماء و روحانیون اصفهان مخصوصاً حضرت حجة‌الاسلام آقای حاج آقا حسین خادمی که از علمای معروف اصفهان و مردان شایسته آنسامان و صاحب تالیفات علمی بسیار از جمله کتاب نفیس رهبر سعادت

واز اولاد مرحوم صدر عاملی هستند و نیز یگانه دانشمند متکلم حاج آقا جمال الدین صهری سدهی که از وعاظ معروف و دانشمندان متعبد و متهجد و برجسته اصفهان بشمارند ، از علامه معظم برای مسافرت باصفهان دعوت های مکرر و مؤکدی بعمل میاید تا اینکه در مسافرتی که زمستان سال گذشته آقای خادمی به عتبات عالیات مشرف شدند و به آستان پاسبان ملایك مولی امیرالمؤمنین (ع) تشرف حاصل نمودند از معظم له تقاضا نمودند که درمسافرت بایران ، اصفهان رااز سفر میمنت اثرخویش بی بهره نگذارده آن خطه‌ولایت خیز را بقدوم خود مزین فرمایند .

در ذیحجه گذشته ، این تقاضا و دعوتها از طرف ایشان و سایر علاقمندان تأکیدو تکرار گردید و بالاخره مسافرارجمند ومیهمان دانشمند ما باتفاق جناب آقای حاج سید رضا خان اصغری در تاریخ ۲۸ محرم بطرف اصفهان حرکت فرمودند .

آقای خادمی وقاطبه علماء و بزرگان اصفهان در نظر داشتند که مقدمات استقبال مجلل و بی نظیری را برای‌ورودمعظم‌له باصفهان فراهم نمایند تا از مقام علمی و خدمات تبلیغی ایشان تجلیل کامل و کافی بعمل آید ولی بااعتذار و عدم موافقت آقای امینی ،هیچگونه تشریفاتی برای استقبال بر گزار نشد وبدون هر گونه تظاهری وارد اصفهان شدندو در منزل آقای خادمی ورود فرمودند و مدت چهار روز رسماًدر منزل ایشان جلوس رسمی داشته و در این مدت جمیع طبقات با یکدنیا شوق

و علاقه و احترام و تجلیل برای زیارت و دیدار می‌شتافتند و از محضر فیض بخش این استاد نبیل مستفیض میشدند و لازم بتوضیح نیست که‌مانند همه علاقمندان و مریدان و دوستدارانشان ، از نخستین لحظـه دیدار ، شیفته و فریفته ظاهر آراسته و سیمای ملکوتی و ملکات معنوی ایشان شده بی اختیار زبان به تحسین و تمجیدشان میگشودند و خود را ظاهراًدر برابر شاگرد بر جسته مکتب مقدس ولایـت ، مکتبی که قرنهـاست در دانشگـاه رفیع و عظیم نجف اشرف بر پـاست ، و باطناً در پیشگاه شاه ولایت و قطب آسیای امامت و مسیل جریان‌علم و معرفت و وصی بر حق مقام مقدس رسالت ، خاضع و خاشع میدیدند و قلبی آکنده از مهر علی (ع) واولادش باین منادی بزرگ‌عالم‌تشیع بدیده احترام و تکریم مینگریستند .

هردسته وطبقه‌ئی که بدیدارمعظم‌له میشتافتندمخصوصاً حضرات آقایان علماء اعلام و روحانیون و مبلغین دین ، با اشتیاق و علاقه تمام تقاضای اقامه نماز و منبر مینمودند که مخصوصاً در زمرهٔ متقاضیان و علاقمندان که اصرار تمام دراین امر داشتند و درحقیقت بانی یك خدمت بزرگ‌بعالم تشیع شدند، نام آقایان مشروحه زیر قابل ذکر است که اسامی ایشان را زینت بخش این‌سفر نامه تاریخی میسازیم‌وتوفیق همگی‌رادرادامه‌خدمات دینی‌و تبلیغی از قادر متعال مسئلت میداریم

جناب حجة الاسلام آقای حاج آقاحسین خادمی

« « « « سید محمد رضا شفتی امام مسجد سید و نوه مرحوم حجة الاسلام کبیر که مزارش در مسجد مزبور بنام « مزار کبیر زیارتگاه اهل دل و از اجله علمای اصفهان بشمار میرفته است .

جناب حجة الاسلام آقای خونساری

« « « « امام جمعه

« « « « میر سید علی‌ابطحی

« « « « شیخ مرتضی اردکانی

جناب حجة‌الاسلام آقای شیخ محمود مفید

« « « « سید حبیب اله روضاتی

« « « « حاج سید محمد مقدس

« « « مجدالعلی نجل آیة الله مرحوم آقای شیخ محمد رضا نجفی امام جماعت مسجد نو که اولین جلسات تبلیغی و منابر علامه معظم در مسجد ایشان تشکیل گردید .

جناب حجة‌الاسلام آقای حاج سید باقر رجائی

« « « میر سید ابوالحسن آل رسول

خطیب دانشمند و واعظ شهیر جناب آقای حاج آقا جمال‌الدین صهری سدهی

خطیب دانشمند و واعظ شهیر جناب آقای حاج حسام الواعظین

« « « « میر سید حسن مدرس

جناب آقای میر سید محمد روضاتی



اقامه نماز و منابر

بالاخره در اثر تقاضای مؤکد آقایان نامبرده واصرارمکرر تجار و محترمین و طلاب علوم دینیه که دسته دسته درپی این تقاضا می‌شتافتند، روز ۵ شنبه هفتم ماه صفرجاری (۱۳۷٦) در مسجد نو واقع در بازار به منبر رفته و تا ۱۷ ماه مزبور درآن مسجد بافاضه کافی ووافی میپرداختند و پس از ختم منبر که از ۱٫۵ تا دو بغروب شروع شده و مغرب پایان مییافت نمازمغرب و عشاء را اقامه میفرمودند.

در این مسجد بلحاظ موقعیت و محل، کسبه و اهل بازار بیشتر از سایر طبقات حضور مییافتندو البته سلسلهٔ جلیله علما و وعاظ و محصلین مدارس دینی و همچنین تجار و محترمین نیز در مجلس حاضر میشدند و با وجودیکه وسعت مسجد مزبور چندان زیاد نیست معهذا بطور متوسط از هفت تا ده هزار نفر جمعیت در آن گرد میآ مدند و از بیانات دلنشین و سخنان دل انگیز ایشان مستفیض و بهره مند میشدند

رفته رفته انبوه جمعیت و ازدحام مردم بقسمی شد که کوچکترین جائی در مسجد یافت نمیشد وادارهٔجمعیت برای متصدیان مربوطه دشوار مینمود و لذا جناب حجة الاسلام آقای شفتی امام مسجد سید، با جمعی از علماء و محترمین از معظم له دعوت کردند که به مسجد مزبور تشریف برده منابر خود را ادامه دهند لذا بنا بدعوت ایشان وتقاضای جمعی دیگر از علاقمندان پس از ده شب افاضه درمسجد نو، به مسجد نامبرده انتقال یافتند.

در این مسجد، شب ها پس از ادای نماز مغرب و عشاء به منبر میرفتند عصر روزیکه قرار بود در مسجد سید حضور بهمرسانند حضرات حجج اسلام آقایان شفتی و خادمی - خونساری وحاج آقا مقدس با جمعیت کثیری از وجوه طبقات‌در منزل معظم له حضور یافتندکه ایشان را برای ادای نماز مغرب و عشاء به مسجد ببرند.

خیابـانی که مسجد در آن واقع است عصر آنروز منظرهٔئی عجیب داشت و شاهد شور و هیجـان کم نظیری بود و بقـدری ازدحام جمعیت زیاد بود که امکان سوار شدن نبود و لذا پیاده به مسجد رفتند ودرجلو مسجد در زیرپای ایشان به تشریف مقدمشان قربانیهائی سر بریده شد و مدت شش شب پس از ادای نماز بر فراز منبر قرار میگرفتند و در دنبال بحثی که از نخستین شب آغازفرموده بودند مستمعین را بفیض کامل میرسانند و حقائقی را که کمتر شنیده شده بود بیان میداشتند.

جمعیتی که در این مسجد گرد میآمدند، تقریبا دو مقابل مسجد نوبود و همه جاپر میشد بطوریکه من‌الباب الی المحراب جائی باقی نمی ماند بحدی‌که مردم مجبور بودند ازبامها و ایوانهای مسجد استفاده کنند تا از این فیض عظمی محروم نمانند.

از شب ۲۳ تا آخر ماه، بنا بتقاضای جناب حجة الاسلام آقایان امام جمعه و ابطحی و جمعی از تجار و وجوه اهالی و کثرت روز افزون جمعیت مستمعین، از مسجد سید به مسجد جامع اصفهان منتقل شدند و تا پایان ماه صفر در آن مسجد باقامه نماز و منبر پرداختند

مسجد جامع از مساجد تاریخی اصفهان و بلکه از مساجد بی نظیر ایران است که از لحاظ سوابق تاریخی کمتر مسجدی بپای آن میرسد که دارای محرابهای تاریخی و قدیمی متعدد است و از لحاظ وسعت نیز از بزرگترین مساجد بشمار میرود بطوریکه گویند چهل و دو جریب زمین است

در نخستین شب در محراب عمومی بنماز ایستادند ولی در شبهای بعد بعلت ازدحام جمعیت‌درمحراب‌معروف‌به «صاحب» باقامه نماز پرداختند که بطوریکه گفته میشد تاکنون کسی در این محراب ادای نماز نکرده بوده است

با همه وسعتی که مسجد جامع دارد ، از کثرت جمعیت جای قدمی پیدا نمیشد در شبهای اخیر مخصوصاً شب ۲۹ که شب رحلت پیشوای مقدس و بزرگوار اسلام حضرت ختمی مرتبت (ص) و شهادت سبط مکرم و نور دیده محترمش حضرت امام حسن مجتبی (ع) بود جمعیت حاضرین را که از همهٔ طبقات مخصوصاً رؤسای دوائر و طبقات ممتاز شهر حضور داشتند حتی بیشتر از ۶۰ هزار نفر تخمین زده‌اند و این خود افتخاری بوده که براستی نصیب شهر تاریخی اصفهان گردید .

در این چند شب ، که چنین جمعیت بیسابقه ئی از نقاط مختلف شهر برای استفاده و استفاضه و تعظیم شعائر مذهبی و تجلیل از یك شخصیت بزرك روحانی در مسجد جامع حضور میبافتند ، البته امر انتظامات مسجد و شهر بی اندازه حساس و دشوار بود و حسن انتظام مجلس و محل نهایت ضرورت را داشت و باید گفت که انصافاً ریاست محترم شهربانی اصفهان و سرکار ریاست محترم کلانتری (۳) در برقراری انتظامات و تأمین نظم، زیاده از حد ابراز علاقه میکردند و بیش از حد تصور جانفشانی مینمودند که لازم است در این اثر تاریخی ، از ایشان تقدیر و سپاسگزاری شود .

احساسات مردم بیدار و زنده دل و خونگرم و عالم دوست اصفهان (شهری که میر دامادها و شیخ بهائی و مجلسی ها و دیگر علماء بزرك و برجسته و پیشقدمان نشر و ترویج تشیع را بخود دیده و در دامان خود پرورانده و در کنار بستر آبادی بخش زاینده رود، زاینده رودی رستگاری بخش از علم و معرفت و ایمان و هدایت بسر زمین کهن ایران روانه ساخته است) در این مجالس و در طی این مدت بقدری بود که بوصف در نیاید و هر شب که سخنان تازه و بکر علامهٔ معظم دهان بدهان و گوش بگوش نقل محافل و مجالس شهر میگردید ، بر شور و هیجان مردم افزوده میشد و شعله های عشق و احساسات و اشتیاق دوستداران و شیعیان تیزتر شده بیشتر از پیش زبانه میکشید و یك جهان شوق و نشاط و ایمان و احساسات در « نصف جهان » پدید آورد که هرچه بیشتر وصف

آن گفته آید ، به توصیف نگنجد

محور سخن علامه معظم در طی مدتیکه زمام منبر و نبض تبلیغ را در اصفهان بدست حکیمانه و عالمانه خود گرفته بودند ، در حول موضوع ولایت کبرای مولای عالمیان و شهریار شاهان ، شهسوار اسلام و وصی برحق حضرت خیر الانام (ص) امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دور میزده و آیه شریفه :

انما ولیکم الله و رسوله و الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة وهم راکعون (آیه ٦۰ سوره مائده) (۱)

که بمناسبت روز پر افتخار خاتم بخشی (۲۵ ذیحجه) در شأن آن شاه مردان و مظهر اتم و اکمل ایمان نازل گردیده عنوان مجلس و مفتاح کلام بوده است و در طی آن ، با بیانات شیوا و آهنك گیرا ، یکدورهٔ کامل درس ولایت به مردم مولی دوست اصفهان تعلیم فرموده اند که باعتراف و تصدیق همه تاکنون اینگونه سخنان بگوش مردم نرسیده بود ولذا مورد استفاده کامل قاطبه اهالی واقع شد که خوشبختانه

---

۱ ترجمه : همانا ولی شما خدا و رسول و آنهائی که ایمان آورده اند آنانکه نماز بر پایدارند و بهنگام رکوع صدقه میدهند. این آیه شریفه درشأن شاه ولایت و مسندنشین کرسی وصایت علی (ع) نازل گردیده و شان نزول آن نیز این بود که روزی حضرت در مسجد بنماز ایستاده بودند سائلی از مردم تقاضای کمك کرده و کسی باو پاسخ نداد و مولی هنگامی که در حال رکوع بود با انگشت خود باو اشاره فرمود و انگشتریکه در دست مبارکش بود نشان داد و سائل آنرا بیرون آورد و آنگاه آیه شریفه نازل گردید و دراین مورد کتب معتبره اهل سنت باین معنی گویاست که در کتب مربوطه مندرج است و آقای امینی درالغدیر از هفتاد کتاب معتبر از مصادر اهل سنت نزول آیه را در شأن مولی امیرالمؤمنین نقل فرموده اند (به جلد سیم الغدیر رجوع شود)




بنیاد محقق طباطبائی

اقدام بجائی که در ضبط آن سخنان هدایت بخش و معرفت افزا وایمان پرور و دل انگیز در روی نوار ضبط صوت و چاپ جداگانه آن بعمل خواهد آمد سایر هم میهنان گرامی و شیعیان عزیز در سایر بلاد اسلامی نیز میتوانند از این درس سودمند و تاریخی بهره‌مند شوند وبا ایمان کامل وزدودن هر گونه شك و شبهه و تردید در باره حقانیت مذهب تشیع ؛ مشت علم و منطق بدهان دشمنان شیعه‌ویاوه‌سرایان بیهوده گو بکوبند .

منابر علامه معظم در اصفهان، چنانکه‌زبانزدورطب اللسان حضرات آقایان علماء و دانشمندان ووعاظ و اهالی آن سامان است ، چنان‌روح تشیعی در مردم اصفهان دمید که یك قرن دیگر فراموش شدنی نیست واصولا این مجلس و این جمعیت و این نماز و این منبر نیز در تاریخ اصفهان بلکه در تاریخ جهان از یکقرن پیش تاکنون نظیر پیدا نکرده است و این خود افتخار زوال ناپذیریست که اصفهان و اصفهانی‌میتواند همیشه بدان مباهات کند .

نکته مهمی که درباره این منابر تاریخی‌قابل‌ذکرمیباشد اینستکه‌هر یك‌از جلسات منبرمعظم له با یکدنیا شور و هیجان و گریه و سوگواری بی نظیر پایان‌مییافت و مردم بحدی در مصائب جانسوزخاندان مقدس رسالت میگریستند که حقا نظیر و مانندی نداشته‌است و این بسبب‌آن بود که آقای امینی با سوز و گدازی وصف ناپذیر بذکرمصیبت پرداخته خود بی‌اختیار میگریستندومردم‌رابهیجان‌میاوردند و از صمیم دل و بدون هیچ ریاوتصنع سیلاب اشك از دیده میباریدند امید است که مقبول درگاه حق ومرضی اولیائش واقع شود .

☆ ☆ ☆

مهمان نوازیها و پذیرائیهای شایان

در تمام مدتی که علامهٔ معظم حضرت آقای امینی در اصفهان بودند علاوه بر احساسات بی شائبه اهالی که در تمام موارد نسبت بایشان ابراز میشد ، هر روز و هر شب بنا به تقاضای آقایان علماء اعلام و حجج اسلام و سایر محترمین شهر در منزل یکی از ایشان دعوت داشتند و هر گاه که در محلی موعود بودند از طرف اهل آن محل ، بطورزاید الوصفی نسبت بهٔ معظم له ابراز احساسات میشد ومراتب تکریم و احترام شایان تقدیر خود را به جامعه روحانیت ، که ایشان درواقع فردمبرزو شخصیت برجسته ئی از این حوزه مقدسه میباشند ، اظهار میداشتند و نشان میدادند که قلباً و باطناً باین سلسله جلیله علاقمند بوده بدون هیچگونه شائبه و محرك و تنها بسائقه علائق مذهبی و برای تعظیم شعائر دینی، رهبران روحانی و مبلغین و مروجین شریعت آسمانی خود را محترم و گرامی میشمارند •

از جمله روز پنجم صفر ، که با جمعی از آقایان علماء اعلام در منزل عالم جلیل القدر حجة الاسلام آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی موعود بودند ، بعد از ظهر آنروز حوالی سه ساعت بغروب اهالی محل در خانه ایشان گرد آمده و باشوق و شعف تمام اجتماع نمودند و تقاضا داشتند که حضرت علامه مکرم نماز ظهر و عصر را در مسجد محل اقامه نمایندو لذا بنا به تقاضای اهالی بطرف مسجد رهسپارشدند و با وجودیکه بین منزل آقای روضاتی و مسجد فاصله زیادی بوددر تمام مسیر راه جمیعت محل حضور یافته با گرمی وشوق بسیار ابراز احساسات مینمودند ودرجلوی مسجد گوسفندی برای قربانی مهیا و آماده ساخته بودند و با اینهمه شور و حرارت مراتب ایمان و علاقمندی خود را نسبت به معتقدات مذهبی و مذهب حقه و پاك خود بمنصه بروز میرساندند و دست رد بر سینه بیگانگان و

دشمنان دین و ملیت خویش که هر یك بنحوی تظاهرات مقدس دینی ما را بباد استهزاء و تمسخر گرفته و میگیرندو ازهیچگونه ناسزا واهانت و افتراء به شیعیان فرو گذار نمیکنند ، میزدند .

بعد از ادای نماز ، دانشمند محترم و خطیب ارجمند آقای طاهری که ازدانشمندان ووعاظ مشهور اصفهانند بر فراز منبر قرار گرفتند و با بیانات شیوا و دلنشین خود از ابراز احساسات شورانگیز مردم اظهار تشکر و سپاسگزاری نمودند و سپس در پیرامون خدمات شایان میهمان عالیقدر وارجمند خود سخن گفتندومخصوصاً شمه‌ئی از کتاب شریف الغدیر، کتابی که براستی تظاهر عظیم و باشکوه واجتماع شورانگیز و تاریخی غدیر خم را در ۱۴ قرن پیش ، از لابلای تاریخ ایام و حوادث زمان و متون کتب مجسم ساخته روح تازه بخشیده وزنده نموده و در برابر دیده بصیرت حق بنیان نهاده است ، بسمع مردم رساندند و این خدمت بزرك و شایان تقدیر راچنانکه در خورآن مجلس شریف بود ستودندو برادران دینی راازاین قدم بلند و برجسته‌ئی که بهمت والای یکی از رادمردان عالم تشیع و یکی از مجاهدین بنام طریقه حقه جعفری برداشته شده عالم تسنن را باصطلاح شه‌مات نموده و به ششدر حیرت دچارساخته است ، آگاه و شادمان ومسرور نمودند .

دعوت قابل ذکر و شایان توجه دیگری که از معظم له بعمل آمد روز جمعه پانزدهم صفر و بتقاضای اهالی « دستگیر » درمنزل جناب آقای حاج محمد صادق دهخدا بود که با ۵۰ نفر از حضرات علماء ومحترمین مدعو بودند .

پس از پذیرائی شایان و گرمی که از مهمانان محترم بعمل آمد، عصر با قامه نماز پرداختند و پس از ادای فریضه ظهر و عصر بر اثر اصراو اهالی مخصوصاً عالم جلیل محل و سر پرست روحانی ایشان به منبر رفتند و با مواعظ و نصایح مردم را مفتخرو قلوبشان را سرشاراز ایمان و عشق بحق جذب نمودند . در تمام این مدت ، احساسات مردم آن

محل فوق تصور و از هر حیث **شایان توجه بود**. در این جا نیز گوسفند هائی قربانی گردید.

❀ روز شنبه ۲۳ نیز بر اثر تقاضای اهالی نجف آباد و دعوت عالم دانشمند و روحانی جلیل آن جناب ثقة‌الاسلام آقای منتظری صاحب کتاب نهایة الاصول که تقریرات حضرت آیة‌الله العظمی آقای بروجردی است وچاپ شده بدانصوب رهسپار و در میان احساسات شورانگیز وهیجان آمیز اهالی وارد آنشهر شدند.

در اینجا لازم است یاد آور شویم که آقای منتظری از مفاخر کنونی شیعه و از مبرزین علماء و مبلغین عالم تشیع میباشند که خدمات گرانبهای ایشان در مبارزه با دشمنان دین و هدایت فریب خوردگان فرقهٔ ضاله مفسده، باید مورد تقدیر فرد فرد شیعیان باشد و برای اهمیت مجاهدات شایان تقدیر ایشان همین بس که مورد توجه کامل حضرت آیة الله العظمی آقای بروجردی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف مرجع عالیقدر عصر و نیابت حضرت ولی عصر (ع) ، بوده در پرتو اقدامات مدبرانه ومبارزات دین خواهانه‌خود توانسته‌اند نجف آباد را با انوار تابناك ساطعه و درخشنده‌ی از نجف ' آباد سازند و مردم آنشهر را از شر « اغنام » گرك صفت که مذهب حق و حزب خدا را واگذارده از « باب » ضلالت دین ساختگی و بی « بهائی » را پذیرفته‌اند رهائی بخشند (۱)

---

۱ - یکی از نقاطی که مورد هجوم اینان واقع شده بود نجف آباد بود که بهائیان بخیال خود میخواستند از بی خبری مردم استفاده کنند ودر بین آنان نفوذ نمایند ولی خوشبختانه با بیداری مردم مواجه شدند واز جمله چندی پیش که جسارت و گستاخی آنان فزونی یافت جنبشی در بین قاطبه اهالی نجف آباد بوجود آمد و مردم تحت رهبری خردمندانه آقای منتظری علیه آنان دست بقیام واقدام عاقلانه ئی زدند و نه تنها از راه تبلیغ ومباحثات علمی برای هدایت فریب خوردگان کوشیدند و بسیاری از

باری در روز مزبور اهالی با ایمان نجف آباد ، تا یك فرسخ به استقبال آمده گوساله‌ئی قربانی کردند و حق‌هم همین بود ، چه در آنشهر مهدی (ع) پناه بکلی دست رد بر سینه «اغنام» نهاده شده بود و لذا قربانی گوسفند لطفی نداشت‌وقربان نمودن گوساله، که رهبرزاده آنهاست مناسبتر و پسندیده تر بود .

پس از ورود بشهر ، نخست وارد مدرسه دینی نجف آباد شدند و پس از ابراز مهر و محبت و استعلام و دلجوئی‌از مستقبلین خاصه آقایان محصلین آن مدرسه که از بر جسته ترین طلاب علوم دینی هستند ؛ به باغ آقای‌حاج‌غلامحسین‌رفتندوروزرا درآنجا بسر برده نمازظهروعصررا در مسجدبجاآوردندو نیمساعتی نیز برای‌وعظو تشویق‌و تهییج‌مردم بحفظ‌شعائردین وتقویت‌ازمبانی‌مذهبی به‌منبررفتند و سپس در بین احساسات پر شور مردم که در تمام آن روز جریان و ادامه داشت‌باصفهان‌باز گشتند و خاطره‌ئی خوش و فراموش نشدنی در آن سنگرتاریخی مبارزه با دشمنان‌امام‌زمان (ع) و فریب خوردگان حظیره نشینان بیادگار گذاشتند .

☆ روز یکشنبه ٢٤ بر اثر در خواست اهالی قصبه « ریز » وعالم با همت آن جناب ثقة الاسلام آقای شیخ محمود شـریعت به آن قصـبه رهسپارشدند .

آقای شریعت نیز از خدمتگزاران بر جسته دین و مروجین مبرز

آنان را بار دیگر بشاهراه حقیقت باز گرداندند بلکه روابط اقتصادی و معاملاتی را با بهائیان قطع کردند و آنانرا بشدت در محاصره اقتصادی قرار دادند و در این مورد نیز اعلامیه هائی از طرف اهالی بـامضاء رسید و منتشر شد و حضرت آیة الله العظمی آقای بروجردی نیز با دست خط مبارك خود اقدامات ایشان را تجویز و تأیید فرمودند که جا دارد سر مشق دیگر شیعیان دررفتار با اینگونه دشمنان بیدین دین قرار گیرد .

شرع انور بوده الحق اسمی بامسمی دارند و از جمله خدمات گرانبهای ایشان تأسیس یك مدرسه دینی تاریخی در آن محل است که با این اقدام، الحق نام نیکی در صفحه روز گار از خود بیادگار گذاشتند و « باقیات صالحات » ار زنده و اثر بخشی بوجود آورده‌اند که هر چه از اثـرات سودمند آن سخن گفته شود کم است . ایشان با شایستگی و مجاهدات خود مورد توجه کامل حضرت آیة الله بروجردی بوده‌جادارددراین‌سفر نامه تاریخی تقدیری از خدمات و زحماتشان **بشود تا سر مشق دیگران گردد و علاقمندان بخدمت بدین بایشان‌وامثـالشان تأسی نمایند**

اهالی « ریز » تا یکفرسخی باتفاق علماء محل باستقبال مهمانان خـود شتافته بودند ، چیز یکه دراین محل بسیار جلب توجه میکرد این بود که‌دانش آموزان مدرسه ملی‌ریز که‌ازمدارس وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی است تا مسافتی از قصبه باتفاق اولیای خود باستقبال آمده بودند و با فرح‌و انبساط و سرور و شعف کودکانه خودسرودی بس مهیج و شورانگیزمی خواندند که بسیار جالب توجه‌ومسرت بخش بود. یکی از آقایان‌آموزگاران محترم نیز قصیده شیوائی انشاد نموده و ایراد کردند که‌موردتحسین‌کامل قرارگرفت متن سرودمز بوروقصیده‌ایشان‌درضمن‌قصایدواشعار گویندگان درج خواهد شد •



رؤیاهای صادقه

در جریان این مسافرت تاریخی ، خوابهای جالب توجه و رؤیاهای صادقه ای از طرف پاره‌ئی از علماء و وجوه طبقات نقل شده است که در اینجا برای تکمیل این تاریخچه بذکر پاره ئی از آنها میپردازیم .

اول ـ امیرالمؤمنین (ع) در اصفهان

صبح روز ورود آقای امینی بمنزل آقای خادمی ، جناب آقای فیروزیان از وعاظ و خطبای محترم اصفهان که از ورود معظم له بی خبر بودند بخانه ایشان آمده اظهار داشتند که شب گذشته در خواب دیدم که بیست هزار جمعیت جلوی منزل شما گردآمده‌اند و بشدت ابراز احساسات میکنند پرسیدم چه خبر است ؟ در جوابم گفتند امیرالمؤمنین (ع) آمده است و اینك آمده بودم که خواب خود را نقل کنم و از تعبیر و چگونگی آن بپرسم که دیدم بخوبی تعبیر شده است

آری تعبیر این خواب عجیب همان ورود آقای امینی به منزل آقای خادمی بود که اگر مولی خود به آنخانه نزول اجلال نفرموده بود ولی شاگرد برجسته مکتب جاویدان و پرورش یافته دانشگاه ولایت آثار حضرتش ، باصفهان قدم نهاده بود تا روح ولایت و ایمان به مذهب تشیع و حقانیت اهل بیت عصمت و طهارت را در کالبد ایشان زنده و تجدید نمایند .

دوم ـ نماینده امیرالمؤمنین (ع)

هنگامی که مسجد سید را تعمیر میکردند بقراریکه بعضی از بزرگان نقل می کردند یکی از کسانی که در امر تعمیر مسجد شرکت کرده بود شبی در خواب می بیند که باو گفته بودند مسجد را تعمیر کنید چه حضرت امیرالمؤمنین (ع) یکنفر را خواهند فرستاد که در مسجد نماز بخوانند .
این خواب نیز که مؤید خواب اولی است بخوبی تعبیر شده و آقای امینی

که در آن مسجد اقامه نماز نمودند درحقیقت نمایندهٔ مولی امیرالمؤمنین (ع) بشمار میرفتند .

سوم ـ نماینده حضرت صادق (ع)

جناب آقای شفتی در خواب دیده بودند که در مسجدسیدمردمجمع بودندو آقای امینی بر فراز منبر قرار داشتند و بموعظه‌مشغول بودند و مردم میگفتند که ایشانرا حضرت صادق (ع) فرستاده‌اند

البته این خواب هم با منبر علامهٔ معظم در مسجد سید بخوبی‌تعبیر گردیدو معلوم است وقتی عالمی‌افتخار آن داشته باشدکه نماینده‌حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) باشد طبعاً نمایندگی حضرت صادق (ع) پیشوای مذهب‌جعفری وزنده کنندهٔ معارف و علوم‌اهل بیت وپرورش دهنده‌حاملان آثاروراویان اخبار آل محمد (ع) وسایر ائمه هدی (ع) را خواهدداشت والحق‌این‌افتخار بزرگی‌است که‌نصیب آقای‌امینی گردیده که‌توانسته‌اندبنا بر حدیث‌شریف‌درردیف یکی‌از بزرگترین امناء خداقرارگیرند وعالم تشیع‌را بوجودخود مفتخر سازند .

چهارم ـ گریه شدید مردم

یکی از تجار محترم اصفهان نقل میکردکه‌درخواب دیده بودمسجد و خیابان چارباغ از جمعیت پر بود و مردم بشدت گریه میکردند و من از گریه شدید مردم فهمیدم که آقای امینی منبر است پس تحقیق کرده خودم خدمت ایشان رسیدم و ازعلماء اصفهان شنیدم میفرمودند ایشان از برای ما به اصفهان فرستاده شده‌اند تامقام علم و دانش بشماهاروشن گردد این رؤیای صادقه نیز با آنچه‌که دربارهٔ گریه بی‌اختیار وشدید مردم‌درپای‌منبرمعظم‌له قبلانوشتیم وفق میدهدو نشانه‌آنست‌که این هیجان عظیم تاریخی و این مسافرت‌بی‌نظیر تبلیغی‌دینی چه از نظر مسافر گرامی

و مهمان نامی و چه‌از لحاظ میزبانان عزیز یعنی قاطبه علماء و تجـار و و محترمین و دانشجویان و کار گر ان و کشاورزان و پیشه وران وکلیه طبقات اصفهان مأجور بوده مقبول در گاه حضرت احدیت و حضرت ختمی مرتبت (ص) و شاه‌ولایت و خاندان عصمت و طهارت (ع) و امام منتظر در پس پرده غیبت (ع) قرار گرفته است امید آنکه این ناچیز را نیز که افتخار ثبت این خاطرات دل انگیز را در تاریخ پر افتخار شیعه یافته‌ام از این فیض عظمی و اجر کبری بهره‌ئی نصیب شود انشاالله یالیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیما .









پایان سفر و باز گشت

پایان ماه صفر باین مسافرت میمنت اثر خاتمه دادبی آنکه خاطرهٔ دل‌انگیز آنرا بتواند از دلها بیرون کند و یاد بود روح افزایش را از یاد مردم اصفهان ببرد و بدست فراموشی سپارد .

بامداد روز جمعه ۲۹ صفر، پس از آخرین شب منبر در مسجدجامع مقدمات حرکت بطرف تهران فراهم گردیدو مردم که‌از قصدعزیمت معظم له آگاه بودند بامدادان جمعیت انبوهی از مردم متدین و محترمین شهر و علماء ووعاظ و علاقمندان بقصد مشایعت در منزل جناب حجة الاسلام آقای خادمی حضور یافتند .

خیابان چارباغ اصفهان که در مواقع عادی منظره‌ئی بهجت انگیز و شاعرانه دارد در آن بامداد تاریخی ، وضعی بیسابقه داشت و کثرت جمعیت بقدری بود که مانع از حرکت وسائط نقلیه گردید . بیش از پنج ششهزار دوچرخه سوار و تعداد زیادی اتوبوس وسواری تا دو فرسخی شهر اتوموبیل مهمان عالیقدر خود را بدرقه نمودند و احساسات مردم هشیار و زنده دل اصفهان در مراسم این وداع فراموش نشدنی بحدی پر شور و مهیج وتکان دهنده بود که‌براستی بوصف در نمیآید و بجرئت می توان گفت که بروز چنین احساسات دینی و مذهبی کمتر نظیر پیدا کرده است .

نکته‌ایکه از هر جهت قابل ذکر و شایان تقدیر است مساعی و مجاهدات علاقمندانه و مشتاقانه افسران ومأمورین انتظامی است که‌دراین شوروهیجان‌عمومی با کمال علاقه‌واز جان و دل‌درحفظ انتظامات‌میکوشیدند و مراتب اخلاص و علاقمندی خود را بجامعه روحانیت ابراز میداشتند و در تظاهرات عظیم مذهبی وظیفه حساس وسنگین خودرا در برقراری نظم و انتظام عمومی اجرا مینمودند که الحق در خور هر گونه قدردانی و

سپاسگزاری است وجا دارد که تقدیر بی شائبه وتشکر بی تکلف علاقمندان به حوزه مقدسه روحانیت از این افسران وظیفه شناس که در جلوی صفوف مردم با جان و دل احساسات روحی و علائق مذهبی را آشکار میساختند در این سفر نامهٔ تاریخی بیادگار بماند.



این بود خلاصه ئی از جریان سفر تاریخی علامه بزرگ معاصر حضرت آقای شیخ عبدالحسین امینی صاحب کتاب شریفه « الغدیر » باصفهان که با مسافرت سودبخش و وافی هدایه خود افتخار بزرگی نصیب مردم آنسامان نمودند و خاطره ئی شیرین و جاویدان ازخود در آنشهر تاریخی برجای گذاردند که تا ابد از صفحه تاریخ محو نخواهد شد.

و سزاوار است که همه از وجود محترم عالم عالی مقام حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای خادمی متشکر وسپاسگذار شوند که ایشان عمده وسیله این همه خیرات و برکات بودند.

این پیشامد تاریخی، از بسیاری جهات درسهای گرانبهائی بمردم ایران میدهد که از نظر عالم تشیع بسی قابل توجه و شایان اهمیت است.

این منبر و این محراب، این جمعیت و این احساسات بخوبی روح پاك مردم ایران و علائق مذهبی تودهٔ ملت را بدنیا معرفی میکند ومشت محکمی بدهان مخالفین دین مبین و جامعهٔ روحانیت و عالم تشیع وارد میسازد وثابت مینماید که علیرغم تبلیغات زهرآگین و سمپاشی های روز افزون دشمنان و معاندین که برای ریشه کن ساختن درخت دین و بر باد دادن ایمان مردم و نشر بیدینی وفساد و فحشاء و منکرات ازهیچ اقدامی فرو گذار نمیکنند تا زمینه را کاملا برای تأمین منافع شوم ومطامع پلید خود مهیا سازند و راه پیشرفت خود را هموار گردانند؛ هنوز قلوب پاك مردم ایران از عشق بحق و حقیقت آکنده و خانه دلشان بنورتابناك دیانت و ولایت روشن است و هر گاه مجالی برای تظاهر بیابند و

فرصتی برای ابراز احساسات سرشار و بی شائبه درونی بدست آورند چنان شور و هیجانی از خود نشان میدهند که براستی زبان و قلم از وصف آن عاجز است .

آری هنوز مردم ایران بدین پاك و مذهب حقه خود وفا دارند و با همه مقدمات و وسائلی که برای تضعیف نیروی دین و تخریب ایمان مردم فراهم شده است خدمات مؤثر شرعی و تبیلغات صحیح دینی را باروح پاك و استعداد کامل استقبال میکنند و از جان و دل برای هر گونه خدمت و فداکاری و ایثاری در راه دین آماده و مهیا هستند که جا دارد از این احساسات بی شائبه ملی و دینی برای رسوائی دشمنان دین و ترویج و تبلیغ آئین مقدس حضرت خاتم النبیین (ص) و مذهب حقه ائمهٔ طاهرین (ع) بنحوا حسن استفاده شود و این نیروی سر شار و عظیم ملی درراه تشیید و تحکیم مبانی تشیع و بسط و توسعه روزافزون آن بکار افتد تا همانگونه که پیشقدمان این مذهب مقدس دین خودرا در راه استواری بنای آن ادا نموده بامجاهده و کوشش کاخ رفیع مکتب جعفری را برافراشتند و آنرا بصورت یك مذهب رسمی بدست ما دادند ، ما نیز با استفاده از این رسمیت قانونی ، این رسالت تاریخی را بعهده گرفته آنرا تابناك تر و قویتر و نیرومند تر و استوارتر بدست نسل های آینده بسپاریم و این مقصود مقدس جز با ایجاد یك نهضت تبلیغاتی مداوم و تمرکز تمام قوا و نیروهای تبلیغی و بوجود آمدن یك رهبری فعال حاصل نخواهد شد.







دانشگاه بزرك شیعه یا نجف اشرف

درس بزرك دیگری که‌ازاین مسافرت فراموش نشدنی و این منابر بی نظیر تاریخی گرفته میشود توجه‌باین نکته‌مهم واساسی است که نتایج درخشان و گرانبهائی که ازاین سفر بزرك بدست آمد و عاید جهان تشیع گردید همه و همه از آثار درخشان دانشگاه بزرك‌شیعه‌یعنی نجف اشرف است که اگر باب مدینه علم حضرت ختمی مرتبت (ص) را در بر و در خاك مقدس خود مدفون دارد خود براستی دروازهٔ مدینه علم بشمارمیرود و قرنهاست که مفهوم‌واقعی و عملی حدیث شریف نبوی یعنی : «انامدنیة العلم و علی بابها فمن ارادالعلم فلیاتها من بابها» (۱) را آشکار ساخته است .

آری نجف براستی دروازهٔ مدینهٔ علم پیغمبر اکرم (ص) است و آنهاکه از این درگاه‌مقدس قدم‌درآستانه علم نهادند و وارد دردانشگاه جاویدان مقام‌ولایت شدندبه حقائق واسرارعلم و گنجینه‌های تمام نشدنی علوم و معارف الهی دست یافتند و هر یك چون پهلوانی برای‌یکه‌تازی در میدان نبرد علمی و مبارزه دینی‌با دشمنان اسلام و منکرین فضائل و مناقب و حقوق خاندان مقدس رسالت واهل بیت عصمت‌وطهارت(ع)آماده شدند و خدمات گرانبها و فراموش نشدنی‌بعالم تشیع و مذهب‌حقه‌جعفری انجام دادند .

نجف ، از هنگامی که مرکزیت علمی یافت و شیفتگان علوم و معارف اهل بیت (ع) پروانه وارگرد شمع تابان و خاموش نشدنی وجود مقدس‌مولی الموحدین و سید العارفین و امام‌المتقین وقائد الغرالمحجلین

---

۱ ـ این‌حدیث شریف از طریق شیعه و سنی بحد تواتر روایت‌شده است که رجوع به جلد ششم الغدیرروشن میسازد .

امیرالمؤمنین علی(ع) جمع آمدند ، از پر تو انوار درخشان آن امام بزرگ وآن پیشوای سترك بتمام بلاد اسلامی خصوصاً حوزه تشیع نور افشان استو پرورش یافتگان این مکتب جاوید ان و این دانشگاه بلند ایوان ، بسهم‌خود در اشاعه و ترویج آئین جعفری(ع) گامهای بزرگی برداشته‌اند که شاید مهمتر از همه‌تالیف غیر قابل توصیف کتاب شریف «الغدیر» این گنجینه بزرك‌معارف شیعه باشد که باوجود همه کارشکنی‌ها و مخالفتها و جلو گیریهای متعصبین اهل سنت ، تکانی هیجان آمیز درعالم تسنن‌پدید آورده برادران سنی‌مارا که تحت تأثیر تبلیغات تعصب آمیز از حقیقت مذهب جعفری و حقانیت مولی علی (ع) بی خبر بودند باین حقائق‌آشناساخت و شیعه را نه بنام نامأنوس‌وناموزون« رافضی» ، بلکه بعنوان مسلمان واقعی و بهره مند ازاسلام حقیقی بدنیا وعالم تسنن معرفی نمود و حقانیت مذهب حقه تشیع را تنها از روی کتب و منابع و مآخذ و اسناد مورد اعتماد و قبول اهل سنت به اثبات رسانید و این خدمتی است که هر فرد شیعه، مخصوصاً آنها که با تقیه وفشارو ناراحتی و اضطراب در میان برادران نا مهربان و متعصب سنی خود بسر میبرند، باید از آن قدردانی و سپاسگزاری کنند و شکر این نعمت‌بزرك راکه با موهبت الهی نصیب شیعیان شده‌است بجا آورند .

اما شکرانهٔ این نعمت عظیم و موهبت عظمی و سپاسگزاری از افاضات کامله‌ئی که در طی قرنها از آستانهٔ مقدسه مولی امیر المؤمنین (ع) و دانشگاه بزرك نجف اشرف نصیب جامعه اسلامی و تشیع شده ، نه‌شکر زبانی‌است‌بلکه برجمیع علاقمندان آئین تابناك جعفری وموالیان وپیروان حضرت شاه ولایت فرض‌استکه درتقدیس وتکریم و تقویت این یگانه دانشگاه شیعه از هیچ کوشش وخدمتی فرو گذار نکرده درخدمت گزاری وبقا و حفظ و حراست این‌پایگاه مقدس علمی از بذل جان ومال کوتاهی‌نکنندو آنچه همت والایشان اقتضا میکند در راه حفظ این اساس مقدس و تشیید مبانی با عظمت آن بجا آورند و نه تنها در تجلیل و

تکریم از دانشمندان و اساتید معظم این حوزه مقدسه بر یکدیگر سبقت جویند بلکه دانشجویان و طلاب زحمتکش و فدا کار آنرا که در سخت ترین شرایط و تنها بعشق تحصیل علم و درك افاضات کامله آن آستانه مبارکه به کسب علم و دانش و تبحر در علوم دین مشغولند، مورد تشویق و تقدیر قرار دهند ٭

بامرکزیتی که نجف از نظر معارف و علوم شیعه داشته و دارد و با توجهی که قاطبه مسلمانان و شیعیان ، یعنی مذاهب مختلفه ایکه با قبول بامامت مولی (ع) بنام شیعه شناخته میشوند (مانند زیدیه و کیسانیه و اسماعیلیه و غیره) به این استانه مقدسه دارند و با ترقیات علمی که عصر ما شاهد و ناظر آنست ، باید تحولی در اوضاع تحصیلی نجف بوجود آید و بنای مدارس مندرس قدیمی به ساختمانهای نوین و آبرومند با وسائل جدید مبدل شود که طلاب علوم دینی بتوانند با فراغت بال کامل و آسودگی خیال بخوشه چینی از آن خرمن بیکران علوم و معارف الهی بپردازند .

بعقیده نگارنده مدارس علوم دینی باید ، مطابق آخرین اصول امروزی جهان مجهز بوسائل نوین و بطریق دانشگاههای شبانه روزی اداره شود و محصلین از بابت غذا پوشاك و بهداشت کاملا اسوده باشند و رویه ووضع ناگوار و پرزحمت فعلی بکلی متروك گردد و در برنامه های تحصیلی نیز باید علوم جدید که دنیای امروز ایجاب مینماید گنجانده شود تا فارغ التحصیلهای این مدارس بتوانند وظیفه تبلیغی خود را در دنیای کنونی ایفا نمایند و چه نیکوست که هرساله عده ئی از فارغ التحصیلهای دانشکده حقوق و ادبیات و معقول و منقول که بزبانهای خارجی آشنائی کامل داشته باشند از طریق مسابقه انتخاب شوند و با مزایائی که برای آنها در نظر گرفته میشود با برنامه مخصوصی برای امر تبلیغ و اعزام بممالك خارجی مجهز گردند و اگر حوزه روحانیت و علاقمندان بترویج مذهب تشیع باین امر بذل توجه فرمایند در بین آنان بسیاری از جوانان متدین و علاقمند بمبانی

دین و شیفته تقبل خدمت مقدس تبلیغ وجود دارند که متأسفانه زمینه ئی برای تحقق آرمان قلبی خود نمی بینند.

امید است با تأییدات الهی و عنایات خاصه حضرت مولی الموالی (ع) نظرات خیر خواهانه و صادقانه این ناچیز مورد توجه قرار گرفته بمرحله عمل در آید.





کتابخانه نجف یا

مکتبة الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة

نخستین بار که یگانه رهبر عالم انسانیت ویکتامنجی جامعه بشریت، حضرت ختمی مرتبت (ص) مورد خطاب الهی قرار گرفت وآیات ربانی برذات همایونش خوانده شد پس از خلقت بشر، موضوع تعلیم انسان بوسیله قلم وآموختن آنچه راکه نمیداند تذکر داده شده است چنانکه در آیات شریفه میفرماید :

اقرء باسم ربك الذی خلق ، خلق الانسان من علق ، اقرء وربك الاکرم، الذی علم بالقلم ، علم الانسان مالم یعلم .

یعنی : بخوان بنام پروردگارت که آفرید .انسانرا ازخون بسته (۱) آفرید ، بخوان و پروردگارت از همه بزرگتر است ، آنکه بوسیله قلم تعلیم فرموده و انسان را آنچه نمیدانست بیاموخت .

بطوریکه ملاحظه میشود ، در این آیه شریفه پس از خلقت بشر دو نکته مهم تذکر داده شده است : یکی موهبت علم که در سایه آن آدمی آنچه را که نمیداند میاموزد ودیگری نعمت قلم که وسیله نشر و تعلیم علم است و بدون آن آموزش علم میسر نبوده و نخواهد بود .

---

۱ ــ علق در زبان عرب هم بمعنی خون بسته و هم زالوست و دراین آیه شریفه دو حالت پیدایش اولیه بشر تذکر داده شده است . اگرعلق بمعنی خون بسته باشد اولین حالت انسان پس از انعقاد نطفه در رحم مادر است . اگر بمعنی زالو گرفته شود بایددانست که اسپرماتوزوئید شناور در منی (میلیونها) که در نتیجه جفت شدن با اوول مادر، نطفه رامنعقد میسازد بشکل زالوست .

بشر با موهبت عظمی علم توانست بحقائق عالم و اسرار وجود و رموز جهان پی ببرد و مراحل رقاء و تکامل را به پیماید و با نعمت کبرای قلم موفق شد که علوم و دانسته ها و معارف خود را ثبت نموده در دسترس دیگران گذارد و بانتشار و ترویج و آموزش آنان همت گمارد بطوریکه میتوان گفت که اگر قلم نبود، علم راراهی برای بشر و رواج نمیبود و قلم توانست بوسیله کتابت و نوشتن بزرگترین خدمات را بعالم بشریت انجام دهد و ازاینجا میتوان باهمیت و مقام و ارزش کتاب در ترقی علوم و توسعه معارف و رقاء اجتماع و کمال جامعه پی برد و هنگامی تأثیر کتاب درحصول این نتایج در خشان معلوم میشود که میبینیم خداوند تبارك ، که خود منشاء علم و مبدع قلم است ، برای هدایت و راهنمائی بشر به کتاب متوسل شده تعالیم الهی و برنامه آسمانی خود را بوسیله کتب سماوی در دسترس آدمیان قرار داده و پیامبران و فرستادگان خود را بعنوان رهنما و مربی و معلم بندگانش معین فرموده است که در بین همه کتب مقدسه الهی ، قرآن برجستگی و درخشندگی بی نظیری دارد و برای اهمیت آن همین بس که تنها کتابی است بعنوان معجزه بآن تحدی شده و مهر ختام بمنشورات و کتب آسمانی زده جاوید و ابدی سایه هدایت بر سر آدمی خواهد داشت .

شکی نیست همانگونه که کتاب وسیله ارشاد و هدایت و نشرعلم و دانش و توسعه فرهنك و تهذیب اخلاق و تزکیه ارواح و رشد عقول و ترقی افکاراست ، بد آن نیز میتواند تأثیر بسزائی درضلالت و گمراهی افراد و فساد واختلال امور اجتماع و نشر مفاسد اخلاقی و آلودگی ارواح و غلبه هوی وهوس وانحطاط افکار داشته باشد و روی همین اصل نیز انتشار کتب ضلال و گمراه کننده وخرید و فروش و تهیه و خواندن آنها (مگر برای اهل علم و دانش و بمنظور رد) منع گردیده و برای تحصیل علم واقعی و سعادت بخش بیش از عبادت ثواب و اجر و پاداش قائل شده اند .

از آنچه گفته شد اهمیت کتابخانه معلوم و آشکار میشود چه کتابخانه گنجینه کتب وخزینه علوم است که بوسیله آن میتوان بافکار و تتبعات و تحقیقات و کاوشهای گذشتگان و پیشقدمان در علوم و معارف آگاه شد و نتایج حاصله و اکتشافات ناتجه آنان را دنبال و تعقیب نمود و به کشفیات جدید و اسرار نوین دست یافت ولذا ازهمان ایام قدیم تأسیس کتابخانه مورد توجه و اهمیت بوده است و ملل واقوام متمدن قدیم مانند مصریان و هندیان و چینیان و ایرانیان دارای کتابخانه های بزرك بوده‌اند.

تاریخ کتاب و کتابخانه

قدیمترین کتابخانه در زمان « رامسس کبیر » فرعون معروف مصر تأسیس گردید و « بیزیتراتیدس » پادشاه یونان درقرن ششم قبل از میلاد کتابخانه ئی در یونان تأسیس نمود که تا زمان حمله خشا یارشا باقی بود (۱) .

در اواخر قرن سیم قبل از میلاد کتابخانه ئی در یونان تأسیس شد که بعداً به اسکندریه انتقال یافت ومشهورتر از آن، کتابخانه عمومی است که بطلمیوس سوتبر (۲۸۳ ـ ۳۴۷ ق ـ م)در اسکندر یه بوجود آورد که مجموع کتب آن به دو میلیون نسخه بالغ میگردید .

در روم قدیم نیز اولین کتابخانه در عهدامپراتور «اوگوست» بدستیاری « از بنیوس بولیون » عالم معروف تأسیس شد که به کتابخانه « اوکتاو » موسوم گردید . او همچنین درقصر سلطنتی خود کتابخانه ئی بنام « آپولان » تأسیس کرد . در دوره قرون وسطی ، کتاب و کتابخانه ها در کلیسا ها متمرکز گردید ولی متأسفانه هرگاه که کشیشان نیاز بنوشتن کتابی داشتند از کاغذ کتابهای موجود استفاده میکردند یعنی نوشته آن کتابها را پاك نموده دوباره مینوشتند و لذا بسیاری از کتب سابقه بدین ترتیب از بین رفت .

---

۱ ـ مطالب این قسمت ازدائرة المعارف فریدوجدی استفاده شده است .

در قرن هشتم میلادی ، دردوران « شارلمانی » امپراتور معروف فرانسه (معاصر هارون الرشید) ذوق و شوق کتاب در اروپا رایج شده و بگردآوری کتب پرداختند و رفته رفته نشر کتاب و کتابداری موردتوجه روز افزون واقع شد و مخصوصاً با منازعات خونین بین کاتولیک ها و پروتستانها و جنگهای مذهبی اروپا ، در قرن ۱۵ ، بازار کتاب گرم شد و پس از اختراع صنعت چاپ درقرن ۱٦ روز بروز بر انتشار وترجمه کتب سابقین و نشر کتابهای تازه و تأسیس کتابخانه‌های عمومی افزوده گشت .

کتاب و کتابخانه در اسلام

دراسلام ، که آئین علم و حکمت بوده نشر و توسعه آن باعلم وقلم و کتاب آغاز گردیده است ، کتاب از همان روز نخست مورد توجه بود و محك بین حق و باطل ، علم شناخته میشد و مخصوصاً با نشر اسلام در آفاق و بلاد و ارتباطی که بین ملل متنوع و اقوام مختلف که از شرق تا غرب بزیر لوای اسلام در آمده بودند ، پدید آمد نشر معارف و انتشار و تالیف کتب بهترین وسیله ارتباط معنوی ملل اسلامی بوده و لذا کتابخانه های عظیمی در بغداد و طرابلس و اسکندریه و شام و اندلس وشهرهای ایران بوجود آمد از جمله در اندلس ۷۰ کتابخانه عمومی وجود داشت که مکتبه قرطبه آن ٤۰۰ هزار جلد کتاب داشت و کتب کتابخانه قاهره به ۱٦۰۰۰۰۰ هزار نسخه بالغ میشد . دکتر گوستاولوبون در کتاب پنجم از تاریخ « تمدن اسلام وعرب » اختراع کاغذ را ، که ماده حیاتی و اولیه کتاب و کتابت است ، به مسلمین نسبت داده مینویسد :

« در قرون وسطی تا مدتی تحریرات اهل اروپا روی پوست بوده است و آن بقدری گران تمام میشد که از انتشار و اشاعت کتب جلوگیری مینمود و آن یك چند هم بدرجه‌ئی نایاب بود که جماعت رهبان روم و یونان تصانیف قدیمه خیلی ضخیم راجمع نموده حروف و کلمات آنها را حك کرده روی صفحات آنها مسائل مذهبی تحریر مینمودند و اگرمسلمین

کاغذرا اختراع نکرده بودندهمین رهبانها تمام کتب قدیمه را که تحت نظر آنها قرار گرفته بود بر باد میدادند کشف چنین چیزی که قائم مقام (پاپیروس) مصریها باشد و یا بجای پوست بتوان آنرا استعمال کرد در حقیقت خدمت نمایانی بود بعالم علم . »

و در باب دهم ازاین کتاب در باره « انتشار تمدن عرب واسلام دراروپا » مینویسد :

« همانطور که تذکر داده‌ایم انتشار علوم عرب در اروپا بوسیله جنگ صلیب نبوده بلکه ازاندلس و جزیره صقلیه وایطالیا بوده استچنانکه درسال ۱۱۳۰ میلادی دارالترجمه ئی در طلیطله تحت ریاست اسقف‌اعظم « رایمون » تأسیس شده تمام کتب مشهور عرب رادرلاتینی شروع به‌ترجمه نمود از این تراجم موفقیت کاملی حاصل گردید یعنی چشمان اروپائیان از این کتب باز شد دنیای تازه ایرا توانستند بنظر بیاورند سلسله این ترجمه‌ها تا قرن چهاردهم در جریان بود در اینجا نه فقط کتب رازی، البقاسس، ابن سینا و ابن رشد را به لاتین ترجمه نمودند بلکه مصنفات جالینوس ، ذیمقراطیس ، افلاطون ، ارسطو ، اقلیدس ، ارشمیدس ، بطلمیوس را که مسلمین ترجمه کرده بودند تمام آنها را هم بزبان لاتین نقل نمودند .

دکتر لکلرك در تاریخ طب خود زیاده ازسیصد کتاب مشهور عربی را ذکر میکند که تمام آنها در لاتین ترجمه شده‌اند و در قرون وسطی اطلاعاتی که از علوم یونان برای ما حاصل شد بوسیله همین ترجمه های عرب بود و از برکت همین تراجم توانستیم که تصنیفات قدیمه یونانرا بدست بیاوریم .... وبدین جهت تمام دنیا باید رهین منت اعراب باشند که فقط آنها خدمتی بمعارف دنیا کرده و این ذخائر بی بها را از دستبرد حوادث زمانه حفظ نمودند ....

تمام دانشکده ها و دانشگاههای اروپا تا پانصد الی ششصد سال روی همین ترجمه‌ها دائر، و مدار علوم ما فقط علوم مسلمین (عرب) بوده

است .... نفوذ اخلاقی همین اعراب (زائیده اسلام) آن اقوام و حشی اروپا را ....داخل در طریق آدمیت نموده و نیز نفوذ دماغی وعقلانی آنان دروازه علوم و فنون و فلسفه را که از آن بکلی بی خبر بودند بروی آنها باز کرده تا ششصد سال استاد مااروپائیان بودند» این بود خلاصه‌ئی از نوشته دکتر گوستا ولوبون دربارۀعلوم و کتب مسلمین .

بطوریکه نوشته‌اند مأمون یکصد بارشتر کتاب به بغداد حمل کرد و یکی از شروط معاهده صلح بین او و میشل سوم (امپراتوروم‌شرقی) آن بود که یکی از کتابخانه های قسطنطنیه راباواهداء نماید که از جمله ذخائر گرانبهای آن ، کتاب هیئت بطلمیوس بودکه مأمون بترجمه آن امر نمود و آنرا مجسطی نامید : تنها در کتابخانه قاهره ششهزارو پانصد جلد درطب و علوم فلکی وجود داشت ، در این کتابخانه نیز دو کره زمین از نقره و برنز بود که بدست بطلمیوس‌ساخته و سه‌هزار کورون (سکه یونانی) طلا خرج آن شده بود .

کتابخانه سلاطین‌اندلس‌بالغ بر ششصدهزار جلد کتاب داشت و فهرست آن مشتمل بر چهل و چهار جزء بود .

در بغداد برای نخستین‌بار (۸۰۰ میلادی) کتب ارسطو و افلاطون و هیپوکرات ترجمه شد و هر یك از خلفای بنی عباس مورخی برای ثبت تاریخ خودداشتند و در سراسرممالك اسلامی بر اثر تشویق‌و حمایت‌امراء و سلاطین و حکام ، از علما و دانشمندان ، کتابخانه ها و مدارس و دانشگاههای فراوان وجود داشت و غالب بزرگان علم و ادب مقام وزارت یافتند .

در بین امراء مسلمین ، نخستین کسی که به گرد آوری کتب و تأسیس کتابخانه همت گماشت ، بطوریکه ابن خلدون مینویسد، خالد بن یزید اموی بوده است که خود مردی دانا در علوم و فنون بوده مخصوصاً در طب و شیمی (کیمیا) بصیرت داشته و بترجمه کتب طبی و شیمیائی

مصریان و یونان امر نمود در دوران ابی جعفر منصور دوانقی ترجمه کتب فارسی و یونانی رایج گردید و در زمان هارون الرشید علاوه بر کتابخانه ، دیوانی برای مؤلفین و مترجمین بوجود آمد و یحیی بن خالد برمکی پیشرو این نهضت بود .

مأمون نیزدرترجمه کتب یونان سیصدهزار دینار صرف نمود.سلطان ابراهیم بن محمود غزنوی هر سال یك نسخه خطی ازقرآن تهیه میکرد و به مکه‌معظمه میفرستاد . سلطان اباالحسن پادشاه‌افریقا دو قرآن‌بخط خود نوشت یکی را بمکه و دیگری را بمدینه فرستاد و پیش از اتمام نسخه سوم که برای بیت المقدس در نظر داشت فوت نمود. وزیرالواثق بالله‌هر ماه سی هزار دینار برای ترجمه و استنساخ کتب مصرف میکرد. المستنصربالله گروهی از تجار را برای خرید کتب بنقاط مختلف اعزام میداشت و هزار دینار طلابه ابوالفرج اصفهانی صاحب اغانی داد و او ٥٠ سال در تالیف این کتاب رنج بود .

در دوران سلاطین اموی‌در اندلس، معارف عرب در اسپانی(چنانکه گوستا ولوبون نوشته و دیدیم) باوج عظمت خود رسید وکتابخانه هائی در آن سامان بوجود آمد که قبل و بعد از آن مانند پیدا نکرده است .

دردوره ضعف‌خلفای عباسی و پیدایش دول مستقل: سامانی‌درنجارا، بنی حمدان در شام ، آل بویه در فارس ، فاطمیون در مصر ، هر یك از آنان در شان و رفعت‌علمو ترویج وانتشار کتبو تأسیس کتابخانه ها بذل همت نمودند .

هنگامی که نوح بن منصور سامانی تکلیف وزارت به صاحب بن عباد نمود او تنها بعلت اینکه نمیتواند کتابهای خود را حمل کند و چهار صد شتر برای بارکردن آنها لازم است از قبول وزارت سر باز زد .

درمرو بیش از ١٢ کتابخانه بزرك موجود بوده است .

این گنجینه‌های علوم و معارف بر اثر هجوم چنگیز و تیمور بدست فنا و نابودی سپرده شد تااینکه فرزندانشان اسلام پذیرفته و دو باره بهمت وزرای دانشمند خود بترویج علوم همت گماشتند و بزرگان علم ودانشمندان را بدورخود گردآوردند مانند خواجه نصیر الدین طوسی وزیرهلاکوخان و قطب الدین راوندی شیرازی و سعدالدوله تفتازی . دولت مغولی هند نیز در هندوستان در این باره مساعی فراوان ابراز داشتند از جمله سلطان شاه جهان و عادل شاه و قطب شاه که بتأسیس کتابخانه ها و ترویج علوم و نشر کتب پرداختند •

کتاب در شیعه

بـا انتساب شیعه امـامیه به مولای متقیـان و باب مدینه علم سید عالمیان حضرت علی مرتضی (ع) میتوان گفت که تدوین و تنظیم نخستین کتاب در اسلام بدست آنحضرت صورت گرفت و آن قرآنی بود که پس از رحلت وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء (ص) تامدتی به تنظیم و گـرد آوری اوراق وصحائف متفرق آن پرداخت که متأسفانه مورد قبول اصحاب سقیفه واقع نشد و تا ظهور مسعود حضرت بقیة الله (ع) از انظار عالمیان پنهان خواهد بود .

در کتابخانه های مهم و معتبر از جمله کتابخانه آستانه قدس رضوی قرآنهائی بخط آن حضرت موجود است که افتخار آن نصیب شیعه خواهد بود •

از زمان حضرت امام زین العابدین (ع) تا زمان حضرت عسکری ششهزار اصل (کتاب) بوسیله رواة و محدثین آثار و اخبار ائمه اهل بیت (ع) نوشته شد که در مسائل مختلف بود وازمیان آنها ٤٠٠ اصل که بنظر امام (ع) رسیده و تصحیح شده بود مورد اتفاق قرار گرفت و چون این اصول (اربعمائه) از نظر مطالب و مندرجات منظم ومبوب

نبود ومسائل مختلفه بطور متفرق در آنها گرد آوری شده بود لذا برای نخستین بار علامهٔ بزرك وپر چمدارعالیقدر شیعه حضرت ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (ره) در مدت بیست سال کتاب گرانبهای کافی (١) را (اصول و فروع) از روی اصول مزبور تدوین و تالیف نموده شانزده هزار و یکصد و نودونه حدیث در آن کتاب گرد آورد و اولین کتابی است که در دوران غیبت صغری مدون و مبوب گردید که بوسیله سفرای کبار بارگاه کیهان مدار بنظر مبارك سلطان جهان در بار رسید وشاه عباس ثانی ملاخلیل قزوینی را امر بترجمه و شرح آن بفارسی نمود که در سال ١٠٨٤ بنام صافی پایان پذیرفت.

بعد از کلینی محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به صدوق، ازروی اصول مزبور کتاب «**من لا یحضره الفقیه**» را تدوین نمود وچهار هزاروچهارصد و نودو شش حدیث در چهار مجلد آن گرد آورد.

پس از آن عالم جلیل، شیخ طایفه امامیه، محمد بن حسن طوسی دو جلد کتاب تهذیب و استبصار را از اخبار آل محمد (ع) تالیف و گرد آوری نمود. کتاب تهذیب از اول طهارت تادیات دردوجلد و در کتاب استبصار (٢) پنجهزار و پانصد و یازده حدیث گردآوری شده است.

این چهار کتاب یعنی: کافی. من لا یحضره الفقیه ـ تهذیب واستبصار چهار کتاب اصلی وچهار رکن شیعه امامیه بشمارمیرود که ریشه معارف و مبانی مذهب جعفری را تشکیل میدهند علاوه بر این چهار کتاب اصلی، از طرف علماء و محققین و متکلمین و حکما و فقهاء شیعه امامیه، کتب بسیار در مباحث مختلف تدوین و تالیف و انتشار یافته است که ذکر

---

١ و ٢ اصول کافی اخیراً در تهران دردوجلد بطبع رسیده واستبصار نیزدرنجف اشرف بزیور طبع آراسته گردیده که در این مورد همت آقایان حاج شیخ محمدو شیخ علی آخوندی دو برادر خدمتگزاردین قابل تقدیراست.

آنها نیازمند بکتابی بزرك استاز جمله خدمت بر جسته سید رضی (ره) درتدوین نهج البلاغه و گرد آوری خطب دلنشینو بیاناتشیرین ومواعظ روحانی و سخنان آسمانی مولی امیرالمؤمنین (ع) است که خود بهترین سند برای حقانیت شیعیان آنحضرت بشمار میرود که از طرف علماء بزرك اهل سنت از جمله ابن ابی الحدید و شیخ محمد عبده شرح شده است در کتاب شریف الغدیرجلد چهارم در ترجمه حال مؤلف نهج البلاغه برای این کتاب هشتاد و یك شرح و ترجمه ذکر شده است .

معروفترین علمای شیعه پس از کلینی وصدوق وطوسی که در علم حدیثقدمهای برجسته برداشتندعبارتنداز : محمدبن مرتضی کاشانی معروف به فیض صاحب کتاب و افی درشرح کافی وتفسیر صافی و محمد بن حر عاملی مؤلف کتاب معروف وسائل الشیعه و ملا محمد باقر مجلسی که کتاب گرانبها و نفیس بحار الانوار را تالیف و تنظیم نموده است .

بحارالانواردائرة المعارفشیعه و مجموعه ایست از علوم و معارف مکتب حقه جعفری که الحق خدمتی بسزا و شایان تقدیس است و چقدر جای خوشبختی است که اخیرا بطبع آن همت گماشته شده است .

مرحوم مجلسی علاوه بر بحار، کتب بسیار دیگری تالیف وتصنیف فرموده است که هر یك افتخاری از افتخارات شیعه بشمارمیرود .

در جهان تشیع نیز ، پس از آنکهرسمیتی پیدا کرده و توانستاز میان فشارو اختناق دیرین قدراست کند و پرده تقیه را بیکسو زند وآشکارا اظهار وجود نماید ، انتشار و تدوین روزافزون کتب با تأسیس کتابخانه های مختلف در مراکز تشیع همراه بود که از آنجمله کتابخانه وزیر دانشمند بزرك شیعه اسماعیلصاحب بن عباد که تاریخ حیاتش بروجه تفصیل در جلد چهارم الغدیر از صفحه ٤ ـ ٨١ ذکر گردیده و آن کتابخانه دارای حمل چهارصد شتریا بیشتر بوده سلطانمحمود سبکتکین اکثرآنها

را که کتب مذهبی وحاوی معتقدات شیعه بودسوزانید .

کتابخانه علم الهدی شریف مرتضی یگانه رئیس مذهبی با عظمت شیعه (۱) متوفای سال ٤٣٦ و آن کتابخانه دار ای هشتاد هزار کتاب بوده واگر صاحب نظر محققی کتاب شافی آن وسایر تالیفات پر بهای آیة الله شریف رامطالعه نماید اطلاع کامل به اهمیت آن کتابخانه می رساند .

پس از آنها کتابخانه شیخ طائفه حقه ابوجعفر طوسی وفیلسوف کبیر خواجه نصیر الدین طوسی است که طعمه حریق گردید .

و مهمتر از همه کتابخانه آستانه قدس رضوی است که قدیمترین کتابخانه شیعه بشمار می رود وبا اینکه دست تعدی ریشه کنی به او دراز شده ودرهجوم افغانها طعمه آتش گشته باز اکنون درحدود ٤٠ هزار جلد کتاب دارد که در بین کتب موجود در آن نسخ منحصر بفرد و بسیار نفیس موجود است که از این حیث در ممالك اسلامی شاید بی نظیر باشد ازجمله يك کتاب بسیار قدیمی در آن یافته میشود بنام خواص الاشجار که قبل از اسلام نوشته شده و سپس بز بانهای لاتینی و سریانی و عربی ترجمه گردیده و در سال ۱۰۱۷ از طرف شاه عباس کبیر وقف آستانه مقدسه شده است. دراین کتاب از نباتات وخواص آنها صحبت میشود و٧٤٧ صورت از گیاهان و ۱٤٨ صورت انسان و حیوان در آن وجوددارد. در این کتابخانه یکدوره بحار الانوار خطی بخط حاج میرزا احمدواعظ خراسانی که شخصاً نوشته و وقف آستانه نموده موجود است که الحق این همت پر شور شایان تقدیس است رحمة الله علیه .

---

(۱) شرح حالات بطور مفصل در جلد چهارم الغدیر ص ۲٦۲ تا ۲۹۹ مذکور است .





کتابخانه نجف

اکنون که اهمیت کتاب و کتابخانه و توجه عالم تشیع به این وسیله مهم و اساسی نشر علم و معارف معلوم و آشکار گردید ، میتوانیم با روشنی و برجستگی تمام از خدمت درخشان و افتخار آمیز و گرانبهای دیگری که علامهٔ معظم حضرت آیة الله آقای امینی در جوار مرقد مقدس مولی الموالی حضرت علی (ع) آغاز نموده و باگامهای بلند و مصمم رو بجلو پیش میروند ، یاد کنیم و آن عبارتست از تأسیس :

مکتبة الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة

با اهمیت شایان توجهی که سابقا از نظر مرکزیت علمی نجف بیان کردیم و با توجه باینکه این شهر مقدس علمی متاسفانه فاقد یك کتابخانه بزرك آبرومند متمرکز مجهز بود ، اهمیت این خدمت عظیم آقای امینی معلوم میگردد و اکنون بسیار جای خوشوقتی است که بهمت والای معظم له از دو سال و اندی پیش که ایشان باین امر مهم همت گمارده‌اند با وجودیکه متاسفانه همکیشان گرامی ما کمتر توجه بفعالیت‌ها و جنبشهای علمی داشته بیشتر غرق در ظواهر شده اند، به پیشرفتهای شایان تقدیری نائل شده‌اند که محققاً در اثر برکات آستانه مقدسه مولی بوده است.

علامه معظم ، که عمری را درمیان بحر فیاض کتب و کتابخانه بسر برده هزاران کتاب نفیس و پر بها را از نظر دقیق و عمیق گذرانده مورد تبتع و تحقیق قرار داده‌اند و «الغدیر» نمونه و شاهد بزرگی بر این معنی است ، با توجه باهمیت کتابخانه در بسط و ترویج علوم ومعارف و لزوم وجود یك کتابخانه مجهز آبرومند در نجف از مدتی پیش در فکر تأسیس این مؤسسه ضروری در آن کانون علمی شیعه بودند تا اینکه بتوفیق ذات اقدس الهی و عنایات وجود مقدس علوی (ع) دو سال و اندی پیش موفق به تأسیس کتابخانه عمومی نجف بنام« **مکتبة الامام امیرالمؤمنین**

(ع) **العامه** » شدندو خوشبختانه در همین مدت کوتاه به توفیقات شایان نائل گردیدند بطوریکه با اعلام تأسیس کتابخانه جمعی از محترمین و دانشمندان که خود هر یك عمری را با علاقمندی و عشق بکتاب ، بگرد آوری کتب مفید همت گماشته و کتابخانه ئی برای مطالعات و تحقیقات خود ترتیب داده بودند نتیجه یك عمر کتابداری خود را به پیشگاه حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی (ع) تقدیم و کتب خویش را وقف کتابخانه آنحضرت نمودند که ما اینك بذکر اسامی شریفشان در اینجا میپردازیم تا مشوقی برای سایر علاقمندان باشد :

واعظ شهیر و خردمند پیر حضرت **آقای حاج شیخ جواد عراقی، جناب آقای نواب احتشام رضوی - جناب آقای حاج سیدرضا اخوی - تیمسار سرلشگر عزیزالله ضرغامی - جناب آقای ابوالقاسم فیوضات** از رجال دانشمند وفرهنگیان برومند وصاحب تالیفات گرانبها از جمله اسرار الصلوة و جناب آقای **میرزا باقر حکمت از دانشمندان فرهنك - جناب آقای حاج میرزا محمدحسین مجتهدی، مرحوم مهندس رفیعی - مرحوم مبشرالسلطنه تهرانی - مرحوم حجة الاسلام آقای میرزا موسی راشد (رحمة الله علیهم)**

همچنین **دانشگاه تهران** نیز یکصد و پنجاه جلد از نشریات خود را بکتابخانه تقدیم داشته است .

تاکنون بر اثر همت علاقمندان **۹ هزار جلد کتاب** که غالباً کتب مفید و ضروری است در کتابخانه مقدسه گرد آوری شده وجمع این مقدار کتاب در این مدت کوتاه الحق در خور ستایش و تقدیر است و امید میرود که بزودی عالم تشیع واجد مجهزترین و بزرگترین و شایسته ترین کتابخانه های اسلامی در نجف گردد و این نقیصه بزرك مرتفع شده والبته در این مورد عموم شیعیان باید بذل مساعی وتوجه نموده هریك بسهم خویش در پیشرفت روز افزون این امر خیر و عظیم بکوشند .

برای کتابخانه ساختمان آبرومند و مجهزی در نظر گرفته شده

که پس از خریداری زمین بنای آن شروع گردیده و اکنون با همت و سعی تمام‌دردست‌ساختمان‌است وامید میرود که بزودی باتمام رسیده‌آماده برای استفاده دانشمندان ودانش آموزان حوزهٔ علمیه نجف اشرف وهمه شیعیان و زوار و علاقمندان گردد.

محل کتابخانه بین بازار قبله و خیابان جدید الاحداث مقابل در قبله‌صحن مطهر (کوچه چهارم) پشت مدرسه مرحوم آیة الله آقا سید کاظم یزدی (ره)واقع است که۲٦۰ مترزیر بنا داشته و هزینه ساختمان آن ۱۰ هزاردینار برآورد شده است‌که البته با تمامی لوازم و مقدمات تا ۱۵ هزار دینار تخمین زده میشود.

کتابخانه‌دارای دفاتر مرتب‌ومنظم‌وقبوض رسمی بوده‌ودرمقابل کتب‌ووجوه دریافتی قبض‌رسیدرسمی‌صادر میشود و برای‌اداره آن‌تشکیلات‌اساسی‌ومنظمی پیش‌بینی‌شده‌است که کمتر نظیر دارد. از این کتابخانه عمومی کلیه طبقات میتوانند استفاده نمایندومخصوصاً مرکزی برای آشنائی بین رجال علمی و دانشمندان و دانشجویان‌شیعه که از نقاط مختلفه و بلاد شیعی به‌آستانه مقدسه مولی (ع) مشرف میشوند بشمار میرود بدون شك وقتی با عظمت و ابهت خاص خود، افتتاح شده و شروع بکار نماید، قطعاً توجه عالم تسنن و حتی گروه خاور شناسان و محققین خارجی را نیز بخود جلب خواهد کرد و درحقیقت مرکز مناسبی برای تبلیغات و تحقیقات‌علمی‌آنان در اساس و مبانی مذهب حقه شیعه و معارف اسلامی خواهد شد و بیش از همه طلاب علوم دینی حوزه مقدسه علمیه نجف از چنین سازمان عام‌المنفعه واین گنجیه علوم و معارف دین بهره مند خواهند گردید

امیداست‌علاقمندان‌وموالیان‌حضرت امیرالمومنین علی (ع)باتوجه بمقام شامخ علم در اسلام و اینکه یکی از اسناد گرانبهای حقانیت آنحضرت و مذهب تشیع و شیعیان آنسرور پرهیزکاران حدیث « **انامدینة العلم و علی بابها** » میباشد و در نظر گرفتن این حقیقت که دین مقدس اسلام‌ومذهب حقه جعفری یعنی آئینه تمام نمای‌آن کاملابر پایه علم‌استوار

گردیده است ، نسبت باین مرکز مهم علمی شیعی بذل توجه نموده ازهیچ گونه مساعدت و معاضدت مادی دریغ ننمایند که در درگاه پرودگار دانا وذوات مقدسه الهیش انشاء الله مأجورخواهند بود **وما توفیقی الابالله علیه‌توکلت والیه‌انیب والحمدلله‌رب العالمین واسئله ان یصلی علی‌خیرخلقه محمدوآله‌الطاهرین وان یجمعنی معهم ویرزقنی زیارتهم فی الدنیا و شفاعتهم فی‌الاخره •**

پایان

ششم ربیع الثانی ۱۳۷٦



اشعار و قصائد



در این سفر میمنت اثر اشعار و قصائدی از طرف گویندگان شیرین سخن اصفهانی بمناسبت این مسافرت تاریخی انشاد و ایراد شده بود که اینک برای تکمیل این گزارش (پس از شعر زیر) بذکر پاره‌ئی از آنها میپردازیم •

از جناب حجة الاسلام آقای شیخ محمد آقا طهرانی

بسمه تعالی

(بمناسبت تاسیس کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علی علیه السلام)
(در نجف اشرف)

مکتبة الامام امیر المؤمنین - العامه

دوش درآسمان علم ورشاد — من افتاده را گذر افتاد
محفلی دیدم از محافل وصل — چند جامی زدم که نوشم باد
قدسیان مست حق وغرق سرور — هوش ازسر شده است وخویش ازیاد
پای کوبان سرود میخوانند — زیرها بم شده است و بم فریاد
که بسوزند جمله خورد و کلان — عمد جهل و توده الحاد
گفتهٔ حق، حق است که «من — یضلل الله فما له من هاد»
لکن آنجا که دل صفا دارد — هست قرآن «لکل قوم هاد»
من بیچاره مات از این شادی — وین غریو وخروش وجوش زیاد
لاجرم با هزار ترس زدم — دل بدریا که هر چه باد اباد
بیکی از بتان بگفتم کای — جان شیرین من ترا فرهاد

چیست این های وهوی مستانه — وین نشاطی که کس ندارد یاد
لب چون غنچه راشکفت و بگفت — بشنو از رمز حادث نوزاد

☆ ☆ ☆

باب علم نبی دری از نو — بگشود از کرم که بسته مباد
بهر تجهیز کاروان علوم — بنجف مکتبی بزرک گشاد
قرنها سال وماه و هفته و روز — آذر و تیر و بهمن و خرداد
بگذشت و نبود مکتبه ای — در خورشأن مرکز امجاد
حاصل عمر صد هزاران فحل — زین سبب غالباً برفت بیاد
شاهد زنده مکتبات فرنك — داد از این غارت و دو صد بیداد
تا «امین» علی و لی الله — صاحب « الغدیر » امینی راد
پی تکمیل این نقصیه بجد — پای تدبیر و کار پیش نهاد
کمك از باطن علی طلبید — همت از بازوان چون پولاد
از برای کتابخانه دوست — هر چه بودش در این جهاد نهاد
ریخت طرح بنای مکتبه را — کند بیخ حسود کژ بنیاد
کتب از هر کجا و از هر کس — از ری و از دمشق واز بغداد
گشته آماده و کنون هم نیز — میفرستند مردم آزاد
ناگه آمد صدای تهرانی — سال تأسیس را نمود انشاد
پس بگفتا : (بجان پاك علی — خانه علم ودین شده آباد)

١٣٧٣

تهران -(شب دوشنبه ٧ ج ١ - ١٣٧٦ - الاحقر محمد تهرانی)

الغدیر

قصیده ئی که یکی از بزرگان شعراء معروف اصفهان بنظم در آورده و در پشت بلند گو در مسجد سید خوانده شد •

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد و ستایش یزدا ن — آفریننده بهر کون و مکان
صلوات و درود بیحد و مر — از خدا وز ملا یك و انسان
بروان رسول و آل رسول — رهبر ا ن طر یقه ا یما ن
خاصه بر صهر و بن‌عم احمد — زوج زهرا امام عا لمیا ن
من چگویم بمدح آنکه بود — مادحش حق و مدح اوقرآن
منتهی چون سرشته است مرا — دست قدرت بمهراو دل‌وجان
میکنم فا ش طینت خود را — حب او چون توان کنم‌پنهان
مدح‌او روز وشب شعارمن‌است — عشق‌آ نشه‌مراست‌دردل و جان
اوست مقصود ز آیه تطهیر — مقصد او ز‌افرینش دو جهان
او ست شاهنشه «سلونی» گو — اوست عالم بعلم سرو عیان
شاه او رنك انما ست علی — هم علی هل اتی علی‌الانسان
شب معراج بد جلیس رسول — بر تر از عرش قادر سبحان
عین حق دست حق خلیفهٔ‌حق — مظهر حق بحق قوی برهان
لافتی جز وجود آ نسرو ر — کیست هموزن اودراین‌میدان
شأن او در حدیث‌منزله‌هست — قصه طیر مشویش بر خوا ن
مصطفی‌شهرعلم لم یزلی‌است — باب آن شهر علی‌شه‌مردان
گفته هفتاد باروبل افز و ن — آن به‌دین‌رهزن وکم‌ازشیطان
گر نبد بوالحسن عمر میمرد — میشد از جهل‌خودسوی‌نیران
یادم آ مد که عا لمی سنی — سخنی گفته از ره و جدا ن

که چه گویم بمدح آنشاهی کش فضایل نهفته اند خسان
کرده مخفی فضایلش بی حد دوست ازخوف ودشمن ازعدوان
معذ ا لك سر ا سر گیتی پر درازمدح او شده است چو کسان
ا لغرض در مدایح آنشا ه کرده سنی بسی حدیث بیان
این جواهر بسی به خاکستر در قرون گذشته بد پنها ن
بود در د ست عا می عمیا همچو خاتم بدست ا هر منان
همچو گنجی نهفته اندر خاک همچو خورشید پشت ا بر نهان
تا خدا بر گزید از تبریز راد مردی یگانه د و ر ان
رهبر شیعه حجة ا لا سلا م نا خدا بهر کشتی ا یما ن
آن اما نت نگاهدار رسول و آنکه مأمن وراست مهد امان
آن که از همت بلند نمود کاخ سنی گری همه و یران
گر چه درروزگارقبل از ما شد در این فن کتابهاعنوان
میرحامدحسین پاك سر شست رهبر دین که داشت هندمکان
عبقاتش بیادگار گذ ا ر د گوی سبقت ربود ا ز نیکان
فهو بالسبق حا ئز ا لتفضیل نشود قطع ذکر پیشروان
لیکن ای ر هبر یگا نه ما ای امین ا ما نت یز دا ن
تو بثقلین حا فظی ا لحق انت فوقت ذا لك ا لتبیا ن
کس ازاین پیش چون تو ناوردست از ره خصم بهر او بر هان
(الغدیر) تو گشته مالامال از می عشق خسروخو با ن
هفت اقلیم عشق ر ا گشتی تو بپای دل و بیمن بنا ن
آب کوثر بود ره آوردت ارمغان شماست از رضو ا ن
توچراغی که ایزدت افروخت هر که پف کردسوزدش تن وجان
سینه توست بحر گوهر ز ا دست تو مظهر از یدرحمان
کلك پاکت بسطح دفتر دل ریزد از دم ستاره بی پایان
هم تو غو اص بحر معر فتی هم تو دریای بی کنار و کران
سخنت چون سحاب رحمت حق صدف آن قلوب پا کد لا ن
د ر تما م مما لك ا سلا م یمن و نجد و مصر وپاکستان

تا باقصای روم و کابل وهند — کرده‌ای حجت خدای عیان
در عراقین رفعت و جاهت — بی شما راست نزد با خردان
واجب و لازم آمده به یقین — بتما می شیعیان جهان
که زاخلاص و صدق بردارند — بدعا دست از صمیم روان
بهر این رادمرد ربانی — طلبند از خدای عزت و شأن
درد و گیتی خداش بستاید — بولای علی شه مردان
اوست یار علی علی یارش — حق بدارد سعادتش ارزان
یارحق است وهمچوخورشید است — که شده بهر شیعیان تابان
بارالها بحق هشت و چهار — بردهش عزوجاه بی پایان
دوستانش بعشق و مهر علی — خوش و خرم‌زیندر دوجهان
هم ببخشای یاورانش را — جای ده در نعیم جاویدان
دشمنش تیره رو بهردوسرای — خاک ذلت بفرق او ریزان



از آقای تائب اصفهانی
شاعر شهیر اصفهان در باره کتاب

الغدیر

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب **شیخ امینی**، ز لطف حی قدیر
نوشته اید کتابی که هست آن اکسیر
بنام هست کتاب تو **الغدیر** و شده
به نزد عالی و دانی بروزگار شهیر
تمام هست ز گفتار پیروان عمر
بنام حیدر صفدر علی خیبر گیر
خوشا بحال تو ای شیخ کاین کتاب شما
به هیچ وجه ندارد در این زمانه نظیر

بدان که قدرت حق است گفته های شما
بگوش جان به پذیرند هر که هست بصیر
شده بشخص تو انجام از خدای جهان
کز این کتاب بگردند کل خلق خبیر
همین بس است امینی! برای گفتارت
که گشته شهرت این گفتهٔ تو عالم گیر
گذشته است از این عالم و رسیده بعرش
زده باهل سماوات جبرئیل صفیر
تو حاج شیخ امینی و صاحب فتوی
بدان با مر خدا گشته ای تو شیخ کبیر
بلندی کلماتت رسیده بر کیوان
به پیش گفتهٔ تو گفته ها شده است قصیر
تمام اهل جهان را از این کتاب متین
خراب کاری آنها شده چه خوش تعمیر
توئی که آیت ذات خدای یکتائی
توئی که گشته کتابت بروزگار دلیر
توئی که هادی دین پیمبری بجهان
توئی که منجی شرعی بهر کبیر و صغیر
تو را خدا بر دشمن نگاه داری کرد
چو دشمنان تو کردند هر قدر تدبیر
تمام اهل خرد شکر حق کنند از آنك
شدی تو عاقبت اللامر بهر خلق بشیر
جسارتی اگر از « **تائب** »است خواهد عذر
جناب شیخ شما عذر را از او بپذیر

☆☆☆

رسول حق چون بخم غدیر بارگشود
رسید پیك خدا نزد احمد محمود
گشود بال چو جبرئیل نزد پیغمبر
نمود عرض که ای خلق راز حق رهبر

نمود امر خداوند کاندر این صحرا
کنی تو سر نهان را بما منت افشا
بکن هدایتشان او لا زروی صفا
سپس نمای بر آن قوم امر ما اجرا
بگو بامت خود جانشین من علی است
خلیفه بر همه و جاگزین من علی است
بامر خالق اکبر محمد (ص) مرسل
نمود مشکل بسیار مشکلی را حل
شد از جهاز شتر ها چو منبری بر پا
نهاد پای به منبر شهنشه بطحا
محمد (ص) آنکه بخلق جهان بود سرور
محمد (ص) آنکه شفیع است درصف محشر
گرفت دست علی را محمد (ص) محمود
بگفت امر شده از خدای حی ودود
بخاص و عام بگویم چنین بصوت بلند
هر انکه بوده و باشد بدین حق پابند
بامر قادر یکتا خدای عالمیان
علی خلیفه من هست و جانشین بجهان
هر آنکه را که بعالم بر او منم مولا
علی است رهبر و مولای او بامر خدا
تمام عالی و دانی ز پیر تا برنا
به بیعتش همه کردند صادقانه وفا
ز شوق دست بدادند بر علی و علی
علی ولی خداوند گار لم یزلی
هر انکه بود بخم غدیر پیر و جوان
بشاد باش صداها بلند گشت وعیان
عجب مدار برادر که بعد فوت رسول
عمر مخالف مولا شد و نکرد قبول
قضاوتش همه باشد بدست اهل خرد
عمر بروز قیامت ز کرده‌اش چه برد

ندانم آنکه چه گویم که گفته اند از پیش
زروز گار بد و مرد ما ن بد ا ند یش
ز شوق و ذو ق بگو تائبا بصو ت جلی
ز بعد ختم ر سل جا نشین ا و ست علی
زنید کف بکف امشب در این مکان شریف
که هست شادی مولا و بی د لی حر یف
آ یت اللهی که باشد الغدیرش معجز ه
در بر دانشو ران نی نزد هر فر د بزه
هر بزه کاری زند بر قلب اهل علم نیش
میزند هر لحظه نیش اما شود آخر پریش
لیک اهل علم و دانش در زمانه فی ا لمثل
مشکل بسیار مشکل را نماید خو ب حـل
جان من بادا فدایت ای امینی درجها ن
چون تو کردی مشکلی را حل برآزادگان
از کلام و گفته ها ی اهل سنت ر ا ستی
با متانت گفته‌ها شان ر ا بخو بی کاستی
بس دلیل آوردی از گفتارشان در این کتاب
جمله را کردی خجل بنیادشان کردی‌خراب
کردی از گفتارخودشان‌اهل دلشان را خجل
کردی آنها را به پیش اهل عالم منفعل
رو نقی دادی باحکام و اصو ل شیعیا ن
جان بقربانت که هستی در جهان جان‌جهان
آفتاب عالم آر ا ئی تو بر ا هل کـما ل
پاك بنیانی به پیش ذات حق جل جلا ل
مخزن علم ر سول اللهی ا ی مرد شریف
چون نمودی اهل سنت‌را دراین دوره‌ضعیف
هادی دین مبینی در جهـان از لطف حق
ثـانی علامه دهری که آنهم در سبق
در بر شا ه خدا بنده هم از گفتا ر شان
اهل سنت را بخوبی‌کرد خوار و زارشان

منکر حیدر هرانکس هست در روی زمین
منکر حق است و باشد ملحدو پست و لعین
ای امینی ایکه هستی در جهان شیخ کبیر
هم کبیری هم بصیری‌هم که هستی بی‌نظیر
تائب ازجان‌مدح تو گوید در این دیرخراب
چونکه داندهست‌از امر خدا وند این کتاب



آقایان محترمی که در اصفهان کتاب به کتابخانه تقدیم کرده‌اند

ثقة الاسلام آقای حاج آقا کمال الدین صدری قزوینی
دانشمند وواعظ‌شهیر آقای حاج سید جمال الدین
حجة الاسلام آقای حاج سید عبدالحسن طیب
» » آقا شیخ مرتضی اردکانی
دانشمند شریف آقا میر سید علی‌خادمی
ثقة الاسلام آقا شیخ فضل اله ذوعلم
» » حاج سید محمد با قر پا قلعه
» » سید محسن صادقی
» » شیخ مهدی فقیه ایمانی
» » سید محمد حسین زواره
» » آقای میر محمد هاشم غروی
» » حاج سید محمد حسین‌ملاذروضاتی
حجة الاسلام آقای سید حبیب‌الله روضاتی
ثقة الاسلام‌آقای حاج سید محمد آل رسول
حجة الاسلام شیخ‌محمد تقی نجفی
» » آقای حاج آقا حسین خادمی
» » شیخ عباسعلی ادیب
ثقة الاسلام آقای حاج سید شمس الدین خادمی
دانشمندوواعظ معروف آقای حاج سید محمد رضا حسام الواعظین
حجة الاسلام آقای حاج میر سید علی ابطحی

فاضل شریف آقا سید هاشم ملاذ الاسلام
آقای شیخ محمد حسین مهاجر
ثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمود ریزی
» » » شیخ عباس مصباح
حجة الاسلام آقای مجد العلما نجفی
» » » میر سید محمد مقدس
ثقة الاسلام آقای حاج میر سید حسن خادمی
» » » شیخ محمد حسن نجفی
حجة الاسلام آقای سید مرتضی دهکردی
ثقة الاسلام آقای حاج سید علی صادقی
» » » سید محمد علی فنائی
» » » حاج سید مرتضی مستجابی
حجة الاسلام آقای حاج سید محمد رضاشفتی
» » » آقا رحیم ارباب
آقای میرزا رضا خان فلسفی
» حاج میرزا علی اکبر گازرانی
» صفیر اصفهانی شاعر معروف
» مشهدی مرتضی وهاب زاده



» حاج آقا حسین داد خواه
» حاج اسداله ریخته گران



» حاج آقا مهدی لسانی
» عبدالحسن خوانی
» حاج عبدالحسین ظهور
» میرزا حسین صدوقی
» حسین شفیعی
» سید مرتضی مدنی اصفهانی
» سید عبدالحمید مولوی ماکوئی
» میر سید علی صائب
» آقا سید جلال امامی
» حاج سید مصطفی صائب

آقای حاج میرزا ابوالقاسم کوهپایه‌ئی
» دکتر سید احمد ابطحی
» حاج شیخ بهاء الدین شیخ زاده ریزی
» مهندس سید حسین دولت آبادی
» حسن شبان
» شیخ یوسف نجفی
» محمد بحرینیان
» میرزا علی تابش
» میر میرزاعلی فانی
» محمد حسن محمدی
ورثه آقای میرزاعبدالحسین خوشنویس
آقای ملاذ (کتب مرحوم حاج آقا فاضل و مرحوم
حاج میرزاحسین ملاذ)
آقای حاج براتعلی
» حسن عینی
» عارفچه شاعر شهیر
» سید حسن خاتون آبادی
» حاج سید مصطفی صمصامی
» آقای حاج میرزا حسن خان‌جابری
» شیخ عبدالرزاق کتابچی
» محمد علی بابا صفری
» میر سید محمد هاشم غروی
» محمد حسین محمدی
» حاج میرزا ابوالقاسم شفیعی
بانو علویه هاشمیه فخر علویات فاضله
بانو سلطان بگم خانم مرحوم زنجانی

اشخاصیکه در اصفهان پول برای ساختمان کتابخانه تقدیم کرده اند

حجة الاسلام آقـای حاج شیخ مهدی مسجد شاهی
آقای حاج میرزا عبدالجواد میر محمد صادقی
» » سید محمد افضل
» » میرزا ابوالقاسم کوپائی
» » محمد علی یزدی
» » محمد حسین یزدی
» » میرزا علی اکبر گازرانی
» محمود قرشی
» حاج احمد کلاهدوز
» حسن کلباسی
» محمد مشایخی
» حاج آقای محمود بصیری
» حاج آقا حسن ملا باشی
» » محمود ضیاء نکوئی
» » رضا صیر فی
» » عبدالحسین ظهور
» » میرزا حسن در دشتی
» » عبدالوهاب زواری
» حسین عینی
» حاج آقا مقدس مهدی شکرانی
» » میرزا هدایت الله تابش
» » میرزا باقر لقمانی
» » میرزا عباسعلی نیلفروش
» محمد یزدی
» غفار نصیری
از تر که مرحوم رحمة الله اصفهانی
آقای حاج غلامرضا زر افشانی
» » حسین صیرفی

آقای سید محمدعلی فانی زوارهٔ
» احمد سمسار
» میر سید محمد بنکدار
» » » علی بنکدار
» عبدالحسین گلستانه
» عبدالکریم نادریان
» حاج آقا جواد روغنی
» احمد ساکنی
» عبدالغفور هوده
» علی خونساری
» حاج حسن خرازی
» حسن اولیاء
» حاج میرزا عبدالحسین منعمیان
» کریم صفا کار
» محمد لواف
» حاج میرزا عبدالحسین لشگری
» سید محمود مهاجرحسینی
» یوسفعلی کیواندداریان
» حاج آقامحمد نمازی
» » محمد حسن شمالی زاده
» » سید مصطفی صمصامی
» حسن تمیزی
» محمد حسن مقدادی
» حاج احمد بلور فروش
» » آقا کریم خراسانی زاده
» » » رحیم خراسانی زاده
» » میرزاعلی محمد ریسمانیان
» » شیخ علی جوانمردی
» محمود آبادی

آقای سید احمد سعیدی از مرحوم آقا جلال الدین
» باقر نیلفروشان
» حسین علی نیلفروشان
» حسین گیلانی
» میرزا علی محمد کرمانشاهی
» عبدالرحیم عبودیان
» حاج عباسعلی اصفهانی
صاحب نامه بی امضاء در بازار اشرف
یکی از سادات محصلین دینی
بانو هاشمیه فاضله جلیله
» مرضیه
» بی بی آغا صبیه مرحوم حاج میرزا حسن
» کلباسی
» زینب و دو بانوی دیگر

مجموع وجوهیکه از اصفهان برای کتابخانه وصول گردیده است ۳۳۶۲۳۳ ریال میباشد .





آثار قلمی مؤلف این کتاب

که در خدمت بدین مبین نوشته شده است

آنچه که بچاپ رسیده است :

۱ - در آغوش مرك

۲ - کریسمس یا میلاد مسیح در ۲۴ صفحه

۳ - ۲۷ رجب « «

۴ - آخوند ها « «

۵ - دروس دینی (جزوه نخست) که متأسفانه ادامه نیافت

آنچه که برای چاپ آماده است :

۱ - اسلام از نظر تورات وانجیل

۲ - الاباطیل یا تعالیم دوازده گانه بهائیت که قسمتی از آن در روزنامه ندای حق درج شده است .

۳ - اسلام و بهائیت - پاسخ بنامه یك مبلغ بهائی

۴ - گفتگو در محافل بهائی - متن مناظره بایکی از بزرگترین مبلغین بهائی در تهران

۵ - امام زمان (۴) متن مناظره بایکی از مبلغین جوان و برجسته بهائی در پیرامون میلاد و غیبت و ظهور حضرت

٦ - آخوند ها - (درسه جلد) که جلداول با بسط مندرجات جزوهٔ منتشر ه قبلی بصورت کتاب مفصلی نوشته شده است .

۷ - من بخدا پناه بردم - (در ۳ جلد) جلداول وقسمتی ازجلد دوم درمجله آئین اسلام درج گردیده است .

۸ - اسلام یعنی شیعه - که قسمتی از آن در روزنامه ندای حق درج شده است .

۹ - کجرویهای کسروی فعلا در روزنامه ندای حق درج میشود .

۱۰ - در تکاپوی حق (تمام مصور)

این کتاب با گرد آوری تصاویر مناسب و ابتکار مخصوص در اثبات صانع تنظیم و تالیف گردیده و جلد دوم آن بنام **«خدا در آزمایشگاه»** در رد مدعای ما دیون که خدا را در آزمایشگاههای علمی نیافته اند (!) در دست تهیه است .

۱۱ ـ دین پاك در بیان اصول عقاید مذهب حقه جعفری به زبان ساده و روان برای عموم

۱۲ ـ تعلیمات دینی ـ برای سالهای دوم تا ششم دبستانها

۱۳ ـ اسلام و تساوی حقوق زن و مرد .

۱۴ ـ ارمغانهای تمدن خلاصه آن تحت عنوان : «در حاشیه تمدن» درروز نامه ندای حق درج گردیده است .

۱۵ ـ قانون الهی یا بشری ؟ ـ در روزنامه ندای حق درج گردیده .

۱۶ ـ شق القمر ـ در اثبات معجزات انبیاء

۱۷ ـ دین و آئین زندگی ـ مجموعه سخنرانیهای ایراد شده در رادیو تهران

برای انتشار ردیف ۲ و ۹ ، دو نفر خیر خواه علاقمند بترویج دین مبین بانی شده اند علاقمندانی که مایل بکومك به نشر آثار خامه این ناچیز باشند میتوانند بنشانی : مشهد ـ بوسیله روزنامه خراسان مراجعه و مکاتبه فرمایند .

برادران شیعه!

اینک که اینکتاب را بپایان رساندید یکبار دیگر مقدمه آنرا دو باره با دقت بخوانید و بـا توجه به حقانیت مذهب رستگاری بخش و بر حق خویش، با خود بیندیشید که برای تبلیغ و ترویج و نشرو بسط آن چه قدمی برداشته، چه اقدامی نموده، چه مجاهدتی بکار برده و چه کوششی ابراز داشته اید؟

با خود فکر کنید که آیا از تشیع، جز توسل بذوات مقدسه الهی و پیشوایان ارجمند دین خود آنهم برای قضاء حاجات دنیوی وانتظار شفاعت برای آمرزش گناهانی که بهمین امید گستاخانه و بی پروامرتکب میشویم، اثر و نشانه‌ئی داریم؟!

من چه گویم که باوجودیکه ایران مهد و کانون تشیع است وزعمای کنونی شیعه‌همه ایرانیندمعهذا جشن چهاردهمین قرن میلادپیشوای مقدس‌ما باید بهمت برادران شیعه‌پاکستانی ما بر پا شود.

زهی تأسف بر این بیحالی و غرور ما!

چه نیکوست که دست از این رویه نا پسند برداریم و با کوشش ومجاهده و تبلیغ دراحیاء و اعتلاء روز افزون شیعه بکوشیم.

اینست انتظارامامان برحق و پیشوایان مذهب‌حقه‌ما!

فرهنگ نخعی





بنیاد محقق طباطبایی